

ظاهر متهم در مراحل رسیدگی کیفری؛ تقابل رویه با اصول^۱

نسرین مهرا*، غلامرضا قلی‌پور**

چکیده

در الگوی دادرسی کرامت‌مدار، شخص مظنون یا متهم، از حق‌های بنیادینی بهره‌مند است که به صرف دستگیری، اتهام و بازداشت از آن‌ها محروم نمی‌شود. یکی از این حق‌ها، «حق بهره‌مندی از لباس شخصی، متعارف و انتخابی» است؛ به گونه‌ای که هیچ مقام یا مرجعی نمی‌تواند این حق را سلب یا او را ملزم به پوشیدن «لباس مجرمانه» کند؛ زیرا، متهم در پناه فرض بی‌گناهی است و لباس او نیز باید «لباس بی‌گناهی» باشد؛ آیین رفتار با متهم، باید «برائت‌محور» باشد نه «مجرمیت‌محور». وانگهی، لباس متهم، تأثیر مهمی در کیفیت دفاع، تصمیم مرجع قضایی و داوری عموم دارد. این در حالی است که در رویه کنونی نظام عدالت کیفری ایران، متهمین بازداشت‌شده مجبور به پوشیدن لباس مجرمانه می‌شوند؛ اقدامی که آنان و بستگان‌شان را آماج برچسب‌های منفی می‌سازد. در پاسخ به اینکه مستند حقوقی رویه کنونی چیست، پژوهش حاضر به این نتیجه رسیده است که این رویه، نه تنها با قوانین داخلی و استانداردهای جهانی دادرسی کیفری هم‌خوانی ندارد بلکه با اصول راهبردی دادرسی کیفری، به‌ویژه کرامت انسانی، فرض بی‌گناهی، قانون‌مندی آیینی، برابری سلاح‌ها، بی‌طرفی و پاسداری از حق‌های شهروندی نیز در تعارض است. از این رو، ضروری است که رویه کنونی با استانداردهای جهانی و اصول راهبردی هماهنگ شود.

واژگان کلیدی: لباس مجرمانه، کرامت انسانی، دادرسی منصفانه، رفتار برائت‌محور، خشونت ساختاری

۱. نگارندگان، بر خود وظیفه می‌دانند از استاد گران‌قدر دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی بابت راهنمایی صمیمانه و ارزشمند در طول نگارش مقاله و همچنین، سرکار خانم سحر سهیل مقدم جهت بازخوانی مقاله سپاس‌گزاری و قدردانی نمایند.

n_mehra@sbu.ac.ir

* دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

g_gholipour@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱

مقدمه

پوشش هر انسان، پیوند نزدیکی با شخصیت و جایگاه اجتماعی او دارد؛ به‌ویژه اگر این پوشش افزون بر کارکردهای اولیه (طبیعی) خود، کارکرد ثانویه (اجتماعی) نیز یافته و به‌عنوان نماد اجتماعی به کار رود. از این رویکرد، می‌توان چندین گونه پوشش در جوامع مشاهده کرد: پوشش متعارف (پوشش عادی شهروندان)، حرفه‌ای (مانند پوشش پلیس)، احترام‌آمیز (مانند پوشش شاهان)، آیینی (مانند لباس جشن)، درمانی (مانند لباس بیماران)، تحقیرآمیز (مانند لباس مجرمانه متهم) و... موضوع این نوشتار نیز همین گونه اخیر است. «لباس مجرمانه»^۱ یا «لباس کیفری»^۲ (دانش، ۲۵۳۵: ۳۴۷) معمولاً با هدف فروکاستن جایگاه اجتماعی و انسانی شخص طراحی می‌شود. این لباس‌ها چند ویژگی دارند: الف) لباس شخصی متهم نیست؛ ب) انتخابی نیست، بلکه تحمیلی است؛ پ) متفاوت از پوشش متعارف جامعه است؛ و ت) معمولاً تحقیرکننده و سالب حیثیت^۳ است.^۴ لباس مجرمانه معمولاً این پیام‌ها را به متهم و جامعه می‌رساند: الف) جایگاه متهم برابر با یک محکوم بوده و چه‌بسا که دشمن جامعه به شمار می‌رود؛ ب) متهم در دستان قدرت‌مند نظام عدالت کیفری است؛ و پ) دولت در برابر بزهکاری مماشات نموده و با تمام توان به آن پاسخ می‌دهد (قدرت کیفری). از همین رو، در برخی از نظام‌های قضایی از این لباس برای انگ‌زنی (نک: منصورآبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۰-۶۵) یا درهم‌کوبیدن شخصیت مرتکبین، به‌ویژه مرتکبین بزه‌های

1. Criminating clothing

2. Penal attire/Penal dress

۳. اظهارات برخی از متهمین، مانند «... اگر همسرم مخصوصاً بچه‌هایم از راه برسند و من را با این وضع حقارت‌بار ببینند، چه کنم...» یا محکومین، مانند «... [با] ظاهرشدن با وضع حقارت‌بار در بیرون بیشتر کینه‌ای می‌شویم و شخصیت‌مان را از دست رفته می‌بینیم...» (شهباز، سمانه، «نگاهی به پوشش و وضع ظاهری زندانیان: متهمانی با دمپایی‌های پاره‌پاره!»، روزنامه ایران، سال نوزدهم، شماره ۵۲۶۹، دوشنبه، ۲۳ بهمن ۱۳۹۱، ص. ۲۲، دسترسی‌پذیر در:

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2677858>، واپسین بازدید: ۱۲ خرداد ۱۳۹۷)، به‌خوبی بیان‌کننده

همین ویژگی است.

۴. رئیس وقت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، این لباس‌ها را زیبا و غیرتحقیرآمیز دانسته بودند.

(نک: <http://jamejamonline.ir/online/671386295559542399>، واپسین بازدید: ۱۹ خرداد ۱۳۹۷).

تروریستی و امنیتی استفاده می‌شود.^۱ در نظام عدالت کیفری ایران نیز گاه متهمین (بازداشتی‌ها) را با لباس زندان^۲ و ظاهری تحقیرآمیز در پیشگاه مرجع قضایی حاضر می‌کنند.^۳

لباس کیفری تا زمانی که در درون «زندان» بر «مجرم» پوشانده شود، با ایراد کمتری مواجه می‌شود؛ ولی آنگاه که «متهم» نیز مجبور به پوشیدن آن، به‌ویژه در «بیرون از زندان» شود، مسائل حقوقی آن آغاز می‌شود. مسئله اصلی این است که آیا این شیوه رفتار با متهم، از بنیان حقوقی^۴ لازم برخوردار است یا اینکه در تنافی آشکار با اصول بنیادین دادرسی کیفری است؛ اصولی که بر پایه کرامت انسانی شکل گرفته و نظام‌های عدالت کیفری را از رفتارهای شیء‌گونه و ابزاری با متهم بازمی‌دارند. باری، در دوران کنونی و در پرتو گسترش آموزه‌های مذهبی، اندیشه‌های فلسفی، نظریه‌های جرم‌شناختی، استانداردهای جهانی حقوق بشر و پیدایی الگوی حکمرانی مردم‌سالار، اصلاحات زیادی در حقوق و رویه‌های دادرسی صورت گرفته و در پرتو «انسانی‌شدن» حقوق کیفری، الگوی دادرسی منصفانه جایگزین الگوی کنترل جرم (See: Packer, 1999: 671-716) گردیده است (نک: قیانچی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۴-۱۶۷). در الگوی نوین، کرامت انسانی (کرامت محوری) و فرض بی‌گناهی متهم (برائت محوری)، سنگ زیربنای دادرسی کیفری به شمار

۱. پس از کودتای نافرجام نظامیان در ترکیه (۲۰۱۶)، رئیس‌جمهور این کشور اعلام کردند که متهمین کودتا، با لباس‌هایی شبیه لباس‌های زندانیان گوانتانامو محاکمه می‌شوند.

نک: <http://www.mehrnews.com/news/4051920> و <http://www.irna.ir/fa/News/82776139>

و اسپین بازدید: ۱۹ خرداد ۱۳۹۷. مشابه این رفتار در محاکمه محمد مُرسی (۲۰۱۴) نیز مشاهده می‌شود.

نک: <http://www.khabaronline.ir/detail/428582/Worid/middle-east>. و اسپین بازدید: ۱۲ خرداد ۱۳۹۷.

2. Prison garb/Prison uniform/Prison clothing/Prison dress

۳. در صفحات مجازی، چند نوع لباس مجرمانه دیده می‌شود. برای نمونه:

<http://www.shahrekhbar.com/picnews/1360123440912383>

[http://www.khabaronline.ir/\(X\(1\)S\(fzkoke015hoeqfy5gibaew1u\)\)/detail/239066/society/judiciary](http://www.khabaronline.ir/(X(1)S(fzkoke015hoeqfy5gibaew1u))/detail/239066/society/judiciary)

و اسپین بازدید: ۱۶ خرداد ۱۳۹۷.

۴. می‌توان به این موضوع از دریچه جرم‌شناختی (نظریه‌های کنترل اجتماعی، برجسب‌زنی، جرم‌شناسی انتقادی و...) نیز نگریست. به همین سان، مطالعه فقهی این موضوع نیز بسیار سودمند است. گفتنی است که در منابع فقهی به موضوع لباس مجرمانه اشاره‌ای نشده است. با این حال، در مورد جرم ارتداد، مقررات ویژه‌ای در رابطه با لباس مرتد فطری زن مبنی بر امکان پوشاندن لباس‌های خشن مشاهده می‌شود. (نک: الموسوی الاردبیلی، السید عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، الجزء الرابع، الطبعه الثانيه، مؤسسه النشر لجامعه المفید (رحمه الله)، (۱۴۳۰ ه.ق)). در این رابطه، باید اشاره شود که نخست، مضمون روایات و به تبع آن عبارات کتاب‌های فقهی در این زمینه یکسان نیست و حتی در برخی منابع به «سخت‌گیری در معیشت» پسند شده و سخنی از لباس به میان نیامده است. از این رو، نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت. دوم، این حکم ناظر به مرتد فطری زن است، نه سایر مرتکبین. سوم، حکم روایات ناظر بر شخص محکوم است نه متهم. چهارم، حکم ناظر بر زمان حبس و داخل زندان است. و پنجم، در صورت ضرورت و مصلحت، حکومت اسلامی می‌تواند این حکم را تعدیل یا بر اساس برخی از دیدگاه‌های فقهی (مانند نظریه تعطیلی حدود در زمان اجرای غیبت، قاعده حرمت تنفیر از دین و...) تعطیل نماید؛ مانند اقدامی که در مورد اجرای حکم رجم انجام شد.

رفته و رعایت حق‌های آیینی متهم، بزه‌دیده و سایر افراد دخیل یا مرتبط با فرآیند رسیدگی، در کانون اصلی توجه قرار می‌گیرد. در این الگو، با انسان به‌عنوان انسان و متناسب با شأن والای او رفتار می‌شود و صرف اتهام یا ارتکاب جرم باعث نمی‌شود که کرامت انسانی وی خدشه‌دار شود. این الگو، پایبند به اصولی چون قانون‌مندی، قضاء‌مندی، کرامت‌مندی، حریم‌مندی، برابری، استقلال قضایی، بی‌طرفی، نفی شکنجه، دادرسی حضوری، دادرسی علنی، دسترسی به وکیل، حق سکوت، حق‌های بزه‌دیده و... بوده و تلاش می‌کند تا امنیت قضایی شهروندان را تضمین کند.

با وجود این پیشرفت‌های چشمگیر، گاه رویه‌های تحقیق‌آمیزی، هم‌چون پدیده لباس مجرمانه، پوشاندن لباس زنانه به مردان^۱، تراشیدن موی سر متهم و... در نظام عدالت کیفری مشاهده می‌شود که با موازین دادرسی منصفانه و دادرسی اخلاقی هم‌خوانی ندارد. این رویه‌های کرامت‌زدا، افزون بر اعتراض‌های حقوقی و غیرحقوقی^۲، منجر به طرح پرسش‌های زیادی می‌گردد؛ پرسش‌هایی از این قبیل که پوشش متهم در فرآیند دادرسی کیفری چگونه باید باشد؟ آیا متهم حق دارد از پوشش شخصی، متعارف و انتخابی خود بهره‌مند شود؟ آیا رویه کنونی با موازین دادرسی منصفانه و استانداردهای جهانی هم‌خوانی دارد و...؟ به‌منظور پاسخ به این پرسش‌ها، در این نوشتار با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و شیوه پژوهش توصیفی-تحلیلی، نخست، لباس متهم در حقوق دادرسی کیفری ایران و برخی از اسناد جهانی مرتبط بررسی شده است، سپس رویه کنونی با معیار اصول راهبردی دادرسی کیفری سنجیده می‌شود و در پایان نیز نتیجه پژوهش ارائه می‌گردد.

۱. لباس متهم در حقوق دادرسی کیفری ایران و اسناد جهانی

در این قسمت، به بررسی لباس متهم در فرآیند دادرسی کیفری بر اساس حقوق ایران و برخی از اسناد جهانی پرداخته می‌شود. در این راستا، نظر به تفاوت برخی از مقررات و همچنین، آسان‌سازی بررسی موضوع، مراحل دادرسی کیفری به سه مرحله اصلی پیش‌رسیدگی (کشف، تحقیق و تعقیب)، رسیدگی (محاكمه و تعیین کیفر) و پس‌رسیدگی (اجرای کیفر و پساکیفری) تقسیم می‌شود.

۱-۱. مرحله پیش‌رسیدگی

مرحله پیش‌رسیدگی، شامل سه مرحله فرعی کشف، تحقیق و تعقیب است. وظایف این سه مرحله معمولاً توسط ضابطان دادگستری و مقامات دادرسی (دادستان، دادیار و بازپرس) انجام می‌شود که با عنوان «تحقیقات پلیسی» و «تحقیقات مقدماتی» از آن‌ها یاد می‌شود؛ تحقیقاتی که بسیار مهم و حساس بوده و

1. See: <http://namehnews.ir/fa/news/36263/>

واپسین بازدید: ۱۹ خرداد ۱۳۹۷.

2. See: <http://www.asiran.com/fa/news/215323/>
<https://www.khabaronline.ir/detail/14054/weblog/news>

واپسین بازدید: ۱۹ خرداد ۱۳۹۷.

تأثیر بسیاری در نتیجه دادرسی دارد. حساسیت این مرحله به این دلیل است که از یک سو، تأمین نظم و امنیت جامعه و حمایت از بزه‌دیدگان، در گرو آن است که هر چه زودتر، شخص مظنون دستگیر شده، ادله گردآوری شده و پرونده به دادگاه ارسال شود؛ و از سوی دیگر، شخص مظنون یا متهم، در پناه فرض بی‌گناهی است و نمی‌توان حق‌ها و آزادی‌های مدنی او را فدای امنیت جامعه کرد. بنابراین، رفتار با متهم باید بر پایه فرض بی‌گناهی باشد.

این فرض منطقی، بر لباس متهم نیز حاکم است. از این رو، لباس او نیز باید لباس شخص بی‌گناه باشد. در این رابطه، اسناد جهانی اصل بنیادینی را شناسایی کرده‌اند که به موجب آن تمامی بازداشت‌شدگان، بی‌گناه فرض شده و با آنان تا زمان قطعی شدن حکم محکومیت همانند بی‌گناهان رفتار می‌شود. در این راستا، در بند ۲ قاعده ۱۱۱ «حداقل قواعد استاندارد ملل متحد درباره رفتار با زندانیان (۲۰۱۵)»^۱ پیش‌بینی شده است: «زندانین منتظر محاکمه باید بی‌گناه فرض شوند و بر اساس همین فرض، با آن‌ها رفتار شود.» (مرکز بین‌المللی اصلاح قوانین کیفری و سیاست جنایی (ونکوور - کانادا)، ۱۳۸۳: ۲۳۱) در بند ۱ ماده ۱۰ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)» نیز مقرر شده است: «افراد متهم در شرایط استثنایی و جدا از افراد محکوم نگهداری شوند، با توجه به شرایطشان همانند افراد غیر محکوم با آن‌ها رفتار شود.» در اصل سی‌وششم «مجموعه اصول حمایت از تمامی اشخاص تحت هر گونه اشکال بازداشت یا حبس (۱۹۸۸)»^۲ نیز بیان شده است که: «شخص بازداشت‌شده مظنون یا متهم به ارتکاب جرم باید بی‌گناه فرض شود و بر همین اساس با وی رفتار شود... تحمیل محدودیت بر چنین شخصی در مواقعی که بالضروره برای هدف بازداشت یا ممانعت از ایجاد تأخیر در اجرای تحقیقات یا اجرای عدالت یا بقاء نظم و امنیت مطلوب مکان بازداشت لازم است، ممنوع می‌باشد.» (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸: ۵۰) این سه سند، معیار روشنی را ارائه می‌دهند و آن نیز «رفتار همانند افراد غیر محکوم یا بی‌گناه» است که می‌توان از آن به «رفتار برائت‌محور» تعبیر کرد. این معیار، به روشنی بیان می‌کند که پوشاندن لباس مجرمانه به متهم، از منظر استانداردهای جهانی، مردود است؛ زیرا آیین رفتار برائت‌محور ایجاب می‌کند که متهم،

۱. زین پس حداقل قواعد زندانیان. این قواعد که در سال ۱۹۵۵ به تصویب رسیده‌اند، در سال ۲۰۱۵ مورد بازنگری اساسی قرار گرفته و به پاس تلاش نلسون ماندلا برای مبارزه با تبعیض نژادی و تحمل بیست و هفت سال حبس، به نام «قواعد نلسون ماندلا» نام‌گذاری شده‌اند. گفتمی است که در نسخه ماندلا، افزون بر محتوای برخی از قاعده‌ها، شماره آن‌ها نیز تغییر کرده است. در این نوشتار از نسخه ماندلا استفاده شده است. (نک: ابراهیمی، شهرام، «چگونگی اجرای قواعد حداقل سازمان ملل درباره رفتار اصلاحی با زندانیان در حقوق داخلی»، در: شیری، عباس (به کوشش)، دانشنامه جرم‌شناسی محکومان، چاپ نخست، نشر میزان، ۱۳۹۷، صص. ۸۷-۱۱۶؛

United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC), The United Nations Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (the Nelson Mandela Rules), 2015.)

۲. قطعنامه مجمع عمومی، شماره ۴۳/۱۷۳.

لباس بی‌گناهی^۱ بر تن داشته باشد. آنچه ناروایی این رویه را بیش از پیش روشن می‌سازد، قاعده ۱۱۵ «حداقل قواعد زندانیان» است که به مسئله لباس متهم اختصاص یافته است. به موجب این قاعده:

۱. یک زندانی منتظر محاکمه باید مجاز به پوشیدن لباس‌های شخصی خود باشد، به شرطی که پاکیزه و مناسب باشند.

۲. چنانچه زندانی منتظر محاکمه، لباس‌های زندان را بپوشد، لازم است لباس‌های مزبور از آنچه که زندانیان محکوم بر تن می‌کنند، متفاوت باشد. «مرکز بین‌المللی اصلاح قوانین کیفری و سیاست جنایی، ۱۳۸۳: ۲۳۲-۲۳۳»^۲

این قاعده، در بخش نخست مقرر می‌کند که شخص متهم اصولاً (اکنون بخوانید لزوماً) باید از لباس شخصی استفاده کند. عبارت‌پردازی آن نیز به خوبی نشان می‌دهد که این سند تمایلی به پوشاندن لباس مجرمانه ندارد. دلیل این امر مشخص است؛ لباس زندان، ویژه محکومین است؛ از این رو، متهمی که در پناه فرض برائت است، نباید ملزم به پوشیدن لباس ویژه محکومین شود. البته استفاده از لباس شخصی تا زمانی مجاز است که مناسب و تمیز باشد تا خطری برای خود یا سایر افراد ایجاد نکند. در بخش دوم نیز اشاره می‌کند که چنانچه متهم از لباس زندان استفاده می‌کند، در این صورت لباس متهم باید متفاوت از لباس محکومین باشد. تفکیک پوشش دقیقاً مبتنی بر همان فرض بی‌گناهی است و سبب می‌شود تا هم «حیثیت متهمان حفظ شود» و هم از فشار روانی آنان کاسته شود. البته، باید اشاره شود که بخش دوم قاعده ۱۱۵ امروزه چندان کاربرد نداشته (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۳۸۱: ۷۹) و نسخ عملی شده است. خلاصه آنکه بر اساس قاعده‌های یادشده، به روشنی می‌توان به این نتیجه رسید که طبق استانداردهای جهانی، پوشاندن لباس مجرمانه به متهم، به ویژه در خارج از بازداشتگاه و زندان ممنوع است (سازمان عقوبت بین‌المللی، ۱۳۹۰: ۱۵۲). اینک باید بررسی شود که آیا در حقوق ایران نیز چنین ممنوعیتی وجود دارد یا خیر.

سیری در قوانین دادرسی کیفری ایران نشان می‌دهد که قانون‌گذار سخنی از لباس مظنون یا متهم در مرحله پیش‌رسیدگی به میان نیاورده است. خواه جرم ارتكابی مشهود باشد یا غیر مشهود؛ مظنون، تحت نظر باشد یا آزاد؛ متهم در بازداشت باشد یا آزاد، قانون در مورد پوشش او ساکت است. ظاهراً، برای قانون‌گذار بدیهی بوده است که در این مرحله، فرض بر برائت است و از این رو، متهم باید از لباس شخصی خویش استفاده کند؛ زیرا اصل بر آزادی رفتار است، مگر اینکه منع قانونی صریحی وجود داشته باشد که در این مورد چنین منعی وجود ندارد. در نتیجه، بازداشت‌شدگان از همه حقوق و آزادی‌های شهروندان دیگر برخوردار هستند و باید به آنان اجازه داده شود تا لباس خود را بر تن کنند (بوشهری، ۱۳۹۳: ۵۲-۵۱). همچنین، در

1. The cloak of innocence/Garb of innocence

۲. مشابه همین قاعده، در قواعد اروپایی زندان (قاعده ۹۷) وجود دارد.

(see: Council of Europe, European Prison Rules, Council of Europe Publishing, June 2006, p. 33 & pp. 49-50 & p. 95).

مواردی نیز که مظنون یا متهم نیاز به لباس داشته ولی توانایی تهیه آن را نداشته باشد، شایسته است که لباس مناسب (نه مجرمانه) و بهداشتی در اختیار وی گذاشته شود.

بنابراین در حقوق ایران، نه تنها مجوز قانونی برای پوشاندن لباس مجرمانه یافت نمی‌شود بلکه از برخی مواد قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲ دائمی شده در ۱۳۹۷)^۱ می‌توان به این نتیجه رسید که لباس مجرمانه با گفتمان حاکم بر قانون دادرسی کیفری هم‌خوانی ندارد. برای نمونه، در ماده ۱۷۲، قانون‌گذار به منظور حفظ اعتبار اجتماعی اشخاص و پیشگیری از برجسب‌زنی‌های ناروا، مقرر کرده است: «ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می‌شود.» مشابه همین حکم در تبصره ۲ ماده ۶۱۵ نیز تکرار شده است. این دو ماده با وضوح تمام بر این نکته دلالت دارند که لباس مأمور نقش زیادی در تغییر نگاه مردم نسبت به متهم داشته و از این رو، باید احتیاط لازم صورت گیرد. افزون بر این، نشان می‌دهد که نگاه قانون‌گذار به متهم، نه نگاهی امنیت‌گرا، بلکه کرامت‌مدار و برائت‌محور است. حال، وقتی قانون‌گذار برای ابلاغ احضاریه، این چنین به آداب انسانی متعالی پایبند بوده است، آیا سزاوار است که لباس مجرمانه بر متهم پوشانده شود؟!^۲

نتیجه آنکه در مرحله پیش‌رسیدگی، بر اساس استانداردهای جهانی و حقوق ایران، شخص مظنون یا متهم، حق بهره‌مندی از لباس شخصی^۳، انتخابی و متعارف خود را داشته و حتی در صورت تغییر لباس (به دلیل‌های بهداشتی یا نیازمندی یا نامتناسبی) نیز لباس متهمین باید متفاوت از لباس محکومین بوده و به هیچ وجه تحقیرآمیز نباشد.^۴ افزون بر این، گستره استفاده از لباس مجرمانه، محدود به خود بازداشتگاه و زندان (نه بیرون از آن‌ها) است. به نظر می‌رسد در مرحله رسیدگی نیز همین احکام جاری باشند.

۱. زین پس: قانون آیین دادرسی کیفری

۲. از همین مواد قانونی می‌توان به این نتیجه رسید که فرض برائت، پیش از دادرسی، بر قانون‌گذاری حاکم است و سبب تولید قاعده‌های برائت‌محور می‌شود. به این ترتیب، می‌توان از قانون‌گذاری برائت‌محور نیز در کنار دادرسی برائت‌محور سخن به میان آورد.

3. Civilian attire/Civilian clothes

۴. ممکن است پرسیده شود که مستند قانونی ممنوعیت پوشاندن لباس مجرمانه به متهمین چیست؛ زیرا، تا منع قانونی نباشد، اصل بر جواز است؟ پاسخ این است که این‌گونه نیست که اصل بر آزادی هر گونه رفتار با مظنون یا متهم باشد؛ بلکه در حقوق دادرسی کیفری، اصل بر عدم آزادی بوده و هر تصمیم یا تدبیر محدودکننده یا سلب آزادی یا حقی که اتخاذ می‌شود، باید به استناد قانون باشد و تا قانونی نباشد، اختیار تحدید یا سلب آزادی یا حق مظنون یا متهم نیز وجود ندارد. از این رو، از آن‌جا که هر انسانی حق پوشیدن لباس شخصی خود را دارد، الزام او به تغییر پوشش، نیاز به حکم قانون دارد. همچنین، ممکن است تصور شود که پوشیدن لباس شخصی، ناظر به آن دسته از متهمانی است که مهمان نظام عدالت کیفری نیستند و آنان که به مهمانی آمده و در دوران تحت نظر یا بازداشت به سر می‌برند، باید لباس خانه میزبان را بر تن کنند! این پندار نیز درست نیست؛ زیرا در این مرحله، متهم تحت حمایت کامل فرض بی‌گناهی است و باید از لباس بی‌گناهان یا همان لباس شخصی استفاده نماید؛ تفاوتی هم ندارد که در کجا نگهداری می‌شود.

۱-۲. مرحله رسیدگی

مرحله رسیدگی، بسیار حساس و سرنوشت‌ساز است؛ زیرا، از یک سو، متهم نزد مقامی حاضر می‌شود که نماد بی‌طرفی و مظهر عدل و انصاف در تمامی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها است و باید چنان رفتار نماید که نه تنها عدالت اجراء شود، بلکه احساس نیز شود تا «امید به عدالت» همواره در رگ‌های جامعه جریان داشته باشد؛ و از سوی دیگر، سرشت این مرحله توافقی و تناظری است. توافقی‌سازی دادرسی نیز نیازمند «برابری طرفین» است که این برابری شامل پوشش آنان نیز می‌شود. از این رو، دادرسی مکلف به ایجاد وضعیت برابر در جلسه دادگاه است و با هر گونه عامل نابرابر ساز، مانند لباس تحقیرآمیز باید مقابله کند.

بر اساس اسناد جهانی، استانداردهای حاکم بر مرحله رسیدگی، همان استانداردهای حاکم بر مرحله پیش‌رسیدگی است و از این حیث تفاوت چندانی وجود ندارد. در قوانین داخلی نیز سخنی در مورد لباس متهم در این مرحله به میان نیامده است و این امر نه ناشی از بی‌توجهی بلکه به دلیل بدیهی بودن موضوع است؛ چراکه در این مرحله نیز شخص متهم در پناه فرض بی‌گناهی بوده و مشمول آیین رفتار براءت‌محور می‌شود؛ به ویژه که اوج درخشش «اماره نجات‌بخش بی‌گناهی» (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۶۰) در همین مرحله نمایان می‌گردد. در نتیجه، رفتار با متهم باید کاملاً براءت‌محور باشد. از این رو، اگر در سایر مراحل پیشینی و پسینی دادرسی، پوشاندن لباس مجرمانه به متهم تحت نظر، در بازداشت یا زندان قبح کمتری داشته باشد، در مرحله رسیدگی، چنین رفتاری، بی‌عدالتی عریان و تبعیض آشکار بین طرفین دعوی است. از این رو، وظیفه دادرسی عادل است که از پذیرش متهم با این پوشش‌های تحقیرآمیز خودداری کرده و دستور دهد تا او را در لباس شخصی، انتخابی و متعارف خود و در وضعیتی برابر با سایر طرفین در جلسه دادرسی (اعم از بدوی یا تجدیدنظر، علنی یا غیرعلنی و...) حاضر نمایند؛ چراکه متهم حق^۱ دارد در لباسی غیر مجرمانه در دادگاه حاضر شود. حتی عدالت و انصاف ایجاب می‌کند که به دلیل حساسیت موضوع و گاه برگزاری علنی دادگاه، چنانچه لباس متهم نامناسب باشد، لباس مناسبی برای ایشان تدارک دیده شود.

نتیجه آنکه، در این مرحله نیز نمی‌توان مستندی حقوقی برای پوشاندن لباس مجرمانه به متهم، در استانداردهای جهانی و قواعد داخلی یافت. این در حالی است که قواعد بنیادین دادرسی جملگی دلالت بر ممنوعیت لباس مجرمانه دارند؛ هر چند که این ممنوعیت تا پایان مرحله رسیدگی است و بر مرحله پسارسیدگی احکام متفاوتی حاکم است.

۱-۳. مرحله پسارسیدگی

مرحله پسارسیدگی، شامل دو مرحله فرعی اجرای کیفر و پساکیفری است. نظر به اینکه، سرشت و احکام این دو مرحله تفاوت بسیار دارند، به تفکیک به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۳-۱. مرحله اجرای کیفر

برخلاف مراحل پیشینی، مرحله اجرای کیفر، تنها مرحله‌ای است که مجوز حقوقی، اعم از داخلی و فراملی، برای الزام محکومین (و نه متهمین) به پوشیدن لباس مجرمانه می‌توان یافت. در این زمینه، در «حداقل قواعد زندانیان (۲۰۱۵)»، چند قاعده به موضوع لباس زندان اختصاص یافته است. توجه این سند به موضوع لباس، چهار دلیل «بهداشتی»، «روان‌شناختی»، «جامعه‌شناختی» و «حقوق بشری» دارد. بر اساس قاعده‌های ۱۹ و ۲۰ این سند:

(قاعده ۱۹):

۱. هر زندانی که مجاز به پوشیدن لباس‌های شخصی خود نباشد، باید لباس‌هایی را دریافت نماید که متناسب با شرایط آب و هوایی بوده و برای حفظ سلامتی وی کافی باشد. چنین لباس‌هایی به‌هیچ‌وجه نباید تحقیرکننده یا توهین‌آمیز باشند.

۲. تمامی لباس‌ها باید تمیز بوده، در شرایط مناسبی نگهداری شوند. به‌منظور حفظ بهداشت، لباس‌های زیر باید به دفعات ضروری، تعویض و شست‌وشو شوند.

۳. در شرایط استثنائی، هنگامی که زندانیان برای یک منظور مجاز، به خارج از مؤسسه انتقال داده می‌شوند، باید این اجازه به آن‌ها داده شود تا لباس‌های شخصی خود را بر تن کنند یا لباس‌هایی را بپوشند که فاقد علائم مشخص برای جلب توجه دیگران است.

قاعده ۲۰: چنانچه زندانیان مجاز به پوشیدن لباس‌های شخصی خود باشند، لازم است تمهیداتی اتخاذ شود تا هنگام پذیرش آنان در مؤسسه، از تمیزی و مناسب بودن آن‌ها برای استفاده، اطمینان حاصل شود. (مرکز بین‌المللی اصلاح قوانین کیفری و سیاست جنایی، ۱۳۸۳: ۳۷۶)^۱

به‌موجب قاعده‌های یادشده، بر حسب رویه کشورهای، دو رویکرد نسبت به لباس زندان وجود دارد؛ یا زندانیان مجاز به پوشیدن لباس‌های شخصی هستند که در این صورت، لباس‌های شخصی باید تمیز، مرتب و قابل استفاده باشند؛ یا اینکه، پوشیدن لباس شخصی مجاز نیست که در این صورت زندانیان باید: ۱. لباسی از زندان دریافت نمایند؛ ۲. لباس دریافتی با آب و هوا، یعنی سرما و گرما ... متناسب باشد؛ ۳. لباس دریافتی برای حفظ سلامتی کافی باشد؛ ۴. لباس دریافتی متناسب با قامت فرد بوده و موجب تمسخر دیگران

۱. مشابه همین قاعده، در «قواعد اروپایی زندان (۲۰۰۶)» (قاعده ۲۰) نیز پیش‌بینی شده است (Council of Europe, 2006: 11 & 49-50). در قاعده ۳۶ «قواعد ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (۱۹۹۰)» نیز مقرر شده است: «نوجوانان باید تا سرحد امکان، حق استفاده از لباس‌های شخصی خود را دارا باشند. مؤسسات نگهداری باید اطمینان یابند که هر نوجوان، لباس‌های شخصی کافی و متناسب با شرایط آب و هوایی را به گونه‌ای که سلامتی آن‌ها را تضمین کند و به هیچ‌رو تحقیرکننده یا توهین‌آمیز نباشد، در اختیار دارد. نوجوانانی که به هر منظور از مؤسسه منتقل یا از آن خارج می‌شوند، باید از این اجازه برخوردار گردند که لباس‌های خود را بر تن کنند» (مرکز بین‌المللی اصلاح قوانین کیفری و سیاست جنایی، ۱۳۸۳: ۳۸۱). گفتنی است آسیب لباس مجرمانه بر نوجوانان، به مراتب شدیدتر و ماندگارتر از بزرگسالان است؛ ازاین‌رو بهتر است به‌طور کامل و در هر زمان و مکانی منع شود.

نشود (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۳۸۱: ۸۰)؛ ۵. این لباس‌ها به هیچ وجه نباید تحقیرکننده باشند و «باید شبیه لباس‌هایی باشند که مردم در جامعه می‌پوشند» (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۳۸۱: ۸۰)؛ و ۶. مهم‌تر اینکه، چنانچه به هر دلیلی (مانند مرخصی، شرکت در دادرسی و...)، ضرورت ایجاب کند که محکوم از زندان خارج شود، باید از لباس شخصی خود استفاده کند یا لباس‌هایی بپوشد که موجب جلب توجه دیگران نمی‌شود. دو شرط اخیر به خوبی نشان می‌دهند لباس مجرمانه نباید تحقیرآمیز باشد تا کرامت انسانی حفظ شود. وانگهی، قلمرو مکانی استفاده از آن نیز تنها محدود به زندان بوده و خارج از آن ممنوع است (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۳۸۱: ۸۱). تأمل در بند ۳ قاعده ۱۹، نشان می‌دهد که یکی از مواردی (و شاید مهم‌ترین موردی) که شخص به دلیل آن از زندان خارج می‌شود، شرکت در دادرسی است. در این موارد، اجازه داده شده است تا متهم از لباس‌های شخصی خود استفاده کند یا لباس‌هایی بپوشد که موجب جلب توجه دیگران نمی‌شود. بر همین اساس، می‌توان گفت که مقامات زندان مکلف هستند از اعزام متهم با لباس‌های زندان یا تحقیرآمیز خودداری کنند (نک: سازمان ملل متحد (مرکز حقوق بشر ژنو، شاخه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری وین)، ۱۳۸۳: ۶۸). این در حالی است که رویه کنونی، برخلاف این استاندارد جهانی است و متهمین بازداشت‌شده، با لباس‌هایی به مراجع قضایی اعزام می‌شوند که هم توجه دیگران را جلب می‌کنند و هم تحقیرآمیز هستند.

به این ترتیب قاعده‌های یادشده^۱، به‌عنوان حداقل استانداردهای جهانی، نشان می‌دهند که رویه نظام عدالت کیفری ایران در طراحی لباس‌های مجرمانه، خارج از چهارچوب رفتار استاندارد بوده^۲ و فراتر از آن، تحقیرآمیز است. با وجود آنکه در بند ۱ قاعده ۱۹ مقرر شده است که لباس شخص محکوم (نه متهم) در داخل زندان (نه خارج از آن) نباید تحقیرآمیز باشد، در رویه کنونی، در جلسه علنی دادگاه، لباس تحقیرآمیز^۳ به متهم پوشانده می‌شود! این در حالی است که در قوانین و مقررات داخلی نیز نمی‌توان حکمی مبنی بر

۱. افزون بر قاعده‌های یادشده، در بند (۱) قاعده ۷۳ «قواعد حداقل زندانیان» نیز گام دیگری در راستای پاسداری از کرامت انسانی برداشته است. به‌موجب این قاعده: «زندانی، هنگام انتقال، باید حتی‌الامکان از انظار عمومی دور بماند...» (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۳۸۱: ۱۸۱-۱۸۰). با وجود چنین حکمی، تردیدی نمی‌ماند که نمی‌توان متهم را در انظار عمومی و رسانه‌ها به نمایش گذاشت!

۲. ممکن است استدلال شود که این استانداردها، الزام‌آور نبوده و دولت‌ها می‌توانند احکام دیگری را تصویب کنند. نگارندگان بر این باور هستند که هرچند که این اسناد، جنبه رهنمودی دارند، ولی تردیدی نیست که این قواعد حداقلی، در حال تبدیل شدن به قواعد عرفی بین‌المللی هستند که رعایت آن‌ها برای تمامی دولت‌ها الزامی است. وانگهی، اختیار حکومت‌ها در قانون‌گذاری کیفری، دیگر مطلق نیست. از این رو، قواعد حاکم بر لباس کیفری، تابع استانداردهای حقوق بشر، حقوق زندانیان و اصول راهبردی دادرسی کیفری است.

۳. البته، تحقیرآمیز بودن یک لباس امری نسبی بوده و داوری در این زمینه با عرف هر جامعه است. البته، یک معیار سنجش دیگر نیز وجود دارد که آن نیز قاعده طلایی اخلاق است: اگر خود ما متهم به ارتکاب جرمی شویم، حاضر هستیم با آن لباس در جامعه و دادگاه حاضر شویم؟

تجویز یا تأیید رویه کنونی یافت و آنچه وجود دارد نیز جملگی دلالت بر حکمی خلاف رویه کنونی دارد؛ چراکه در حقوق کنونی ایران، پوشیدن لباس و یژه، در داخل زندان نیز اجباری نیست.^۱ توضیح اینکه، به موجب ماده ۹۰ «آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (۱۳۸۴ با اصلاحات بعدی)»^۲: «پوشیدن لباس و یژه محکوم، برای محکومان الزامی نیست؛ مگر به تشخیص سازمان زندان‌ها». ماده ۹۱ نیز در تکمیل این ماده می‌افزاید: «به تشخیص دایره مددکاری، از سوی زندان، سالیانه به متهمان و محکومان نیازمند، به میزان مناسب لباس داده شده و نیازمندی‌های بهداشتی ضروری متهمان و محکومان زن نیز تأمین می‌شود.» به این ترتیب، مشاهده می‌شود که از یک سو، «لباس و یژه محکوم»، فقط ناظر به «محکومان» است نه متهمین و از سوی دیگر، پوشیدن این لباس حتی برای محکومین نیز الزامی نیست^۳، مگر اینکه

۱. از نگاه تاریخی، گفته شده است در نظام حقوقی ایران تا پیش از سال ۱۳۴۷، به‌طور خاص به لباس زندانیان توجهی نشده بود (گودرزی بروجردی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۵۴). البته، در ماده صد و هشتاد و نهم قانون محاکمات نظامی (۱۳۰۷) و ماده ۵ قانون اقدامات تأمینی (۱۳۳۹)، به لباس و یژه محکومین اشاره شده بود. در سال ۱۳۴۷ در «آیین‌نامه جدید زندان‌ها» مقرر شد که هر زندانی، اعم از بازداشتی و یا محکوم، مکلف است که در مدت اقامت در زندان، ملبس به لباس مخصوص زندانیان باشد. این رویه، با اندکی تغییرات، در آیین‌نامه‌های ۱۳۵۴، ۱۳۶۱، ۱۳۶۸ و ۱۳۷۲ نیز ادامه یافت. تا اینکه در سال ۱۳۸۰، نوعی انقلابِ هنجاری در سیاست لباس کیفری رخ داد. به این صورت که در ماده ۸۶ «آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (۱۳۸۰)» مقرر شد: «پوشیدن لباس مخصوص زندان، الزامی نیست مگر به تشخیص رئیس زندان». دلیل این تحول اساسی آن بود که رئیس محترم وقت قوه قضائیه، آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی، آن را موجب «تحقیر» زندانی دانسته بودند. از این منظر، «پوشیدن لباس دلخواه در واقع بخشی از هویت هر فرد محسوب می‌شود و تقویت‌کننده عزت نفس و تأکید بر ویژگی‌های فردی است. اما یونیفرم‌ها تأثیری معکوس دارند» (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۳۸۱: ۷۸). در همین راستا، پیرو دستور شفاهی ایشان خطاب به رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۱، پیرامون منع پوشیدن لباس یک‌شکل زندانیان، در نشست فوق‌العاده شورای برنامه‌ریزی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۵، بندهای زیر به تصویب رسید:

«الف) از تاریخ تصویب این مصوبه نه‌تنها هیچ‌گونه الزام و ضرورتی برای پوشیدن لباس یک‌شکل مخصوص زندانی برای زندانیان در داخل زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها، اردوگاه‌ها، کانون‌های اصلاح و تربیت و سایر مراکز وابسته به سازمان زندان‌ها نمی‌باشد، بلکه جمع‌آوری آن‌ها با ابلاغ این مصوبه به‌عنوان دستورالعمل اجرایی تلقی خواهد شد.

تبصره - این مصوبه مشمول زندانیان نسون نیز می‌باشد.

ب) در موارد نقل و انتقال زندانیان از محلی به محل دیگر و نیز در اعزام و بدرقه شش‌الیهیم به مراجع قضایی، محاکم، مراکز درمانی و سایر اماکن از پوشاندن لباس فرم متحدالشکل به زندانیان خودداری گردد» (گودرزی بروجردی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۵۷-۱۵۴).

۲. زین پس: آیین‌نامه زندان‌ها.

۳. امروزه اجبار محکوم به پوشیدن لباس زندان، «کهنه محسوب می‌شود» (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۳۸۱: ۷۹).

سازمان زندان‌ها تشخیص دهد^۱ که پوشیدن چنین لباسی لازم است.^۲ وانگهی، آنچه در ماده ۹۱ و به‌ویژه در رابطه با لباس متهمین آمده است، ناظر به اشخاص نیازمندی است که لباس شخصی مناسب ندارند. افزون بر این، هیچ طرح و رنگی نیز برای لباس زندان تعیین نشده است. از این رو، روشن می‌شود که رویه کنونی با هنجارهای حقوقی داخلی نیز تعارض دارد؛ زیرا ماده ۹۰ فقط به «محکومین» (و نه متهمین) اشاره می‌کند. وانگهی حتی در رابطه با محکومین نیز قلمرو پوشش زندان، محدود به محیط بسته زندان (و نه خارج از آن) است. بر همین اساس، می‌توان گفت که قوانین و مقررات حقوقی ایران، از این حیث، هماهنگ با استانداردهای جهانی است و آنچه محل ایراد است، نه قوانین و مقررات بلکه رویه عملی مراجع قضایی و زندان‌ها است. از این رو، شایسته است که نظام عدالت کیفری با پایبندی به قانون، اصول و استانداردهای جهانی، در مسیر دادرسی کرامت‌مدار گام بردارد؛ به‌ویژه که پاسداری از کرامت انسانی، یکی از آموزه‌های بنیادین دین مبین اسلام است. سیاست‌های اتخاذشده از سوی رئیس وقت دستگاه قضایی (آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸) نیز به روشنی نشان‌دهنده چنین ظرفیتی در فقه اسلامی است. ایشان تلاش کرده بودند تا بر پایه فقه کرامت‌مدار، گام‌های ارزشمندی در راستای رعایت موازین دادرسی منصفانه بردارند که هم‌راستا با استانداردهای جهانی بود.^۳ بر پایه استانداردهای جهانی، هر چند که استفاده از لباس ویژه در محیط زندان، بازداشتگاه و تحت نظرگاه هنوز منع نشده است (توصیه می‌شود استفاده نشود)، در سه مورد، ممنوعیت مطلق وجود دارد: الف) لباس ویژه به‌هیچ‌وجه نباید تحقیرآمیز باشد؛ ب) لباس ویژه در خارج از محیط زندان، بازداشتگاه و تحت نظرگاه نباید استفاده شود؛ و پ) لباس ویژه متهمین نباید شبیه لباس ویژه محکومین باشد. این در حالی است که رویه کنونی ناقض هر سه ممنوعیت یادشده است!

در تکمیل مطالب این قسمت، اشاره به دو حکم قانونی مرتبط با لباس محکومین، بسیار سودمند است. نخست اینکه، طبق «نظریه عمومی جرم سیاسی»، متهمین و محکومین سیاسی از پوشیدن لباس زندان معاف هستند (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۹). این قاعده حقوقی که درصدد ارفاق ویژه به این دسته از مرتکبین، به دلیل انگیزه‌های خیرخواهانه و اصلاح‌طلبانه آنان است، در ماده ۶ «قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵» نیز پذیرفته شده

۱. واگذاری اختیار تشخیص این موضوع به سازمان، بدون تعیین معیار و موارد آن، از نظر حقوقی پذیرفتنی نیست (نک: صفاری، ۱۳۸۶: ۷۲).

۲. شایان ذکر است که در مواردی که از لباس زندان استفاده می‌شود، استفاده از لباس شخصی ممکن است به‌عنوان یک تشویق به کار رود (بوشهری، ۱۳۹۳: ۹۸).

۳. موضع رئیس سابق دستگاه قضایی، آیت‌الله آملی لاریجانی، نیز همین است. یکی از مسئولین وقت دستگاه قضایی، از زبان ایشان نقل کرده‌اند: «آیت‌الله لاریجانی به رئیس سازمان زندان‌های کشور ابلاغ کرده که زنان متهم که مرتکب جرائم خلاف عفت عمومی شده‌اند با همان وضعیت لباس معمول [نه چادر اجباری] در جامعه در دادگاه حاضر شوند» (سایت تحلیلی خبری عصر ایران، «زنان متهم به فساد مالی در دادگاه چه می‌پوشند»، شناسه خبر: ۲۱۵۳۲۳، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۱، دسترسی پذیر در: <http://www.asriran.com/fa/news/215323>، واپسین بازدید: ۱۹ خرداد ۱۳۹۷).

است. به موجب این ماده: «موارد زیر نسبت به متهمان و محکومان جرائم سیاسی اعمال می‌شود: الف) ...، ب) ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول بازداشت و حبس، پ - ...». به این ترتیب، هر گونه پوشاندن لباس مجرمانه به این دسته از متهمین و محکومین، در تمامی مراحل دادرسی کیفری ممنوع است. ایراد این ماده آن است که به «بازداشت» نیز اشاره کرده است.^۱ توضیح اینکه، ممکن است موافقین لباس مجرمانه، به مفهوم مخالف این ماده استناد کنند. به این صورت که وقتی قانون‌گذار پوشاندن لباس زندان به متهم سیاسی را در طول بازداشت، به دلیل سیاست ارفاقی خود منع کرده است، پس در مورد سایر متهمین که مشمول سیاست ارفاقی نیستند، می‌توان از لباس مجرمانه استفاده کرد. به نظر نگارندگان، چنین برداشتی از این ماده پذیرفتنی نیست و بعید است قانون‌گذار چنین منظوری داشته باشد؛^۲ زیرا، اشاره به بازداشت در این بند، به خاطر احتیاط بیشتر بوده است تا کارگزاران نظام عدالت کیفری را آگاه سازد که به هیچ وجه نمی‌توان چنین رفتاری با متهم سیاسی کرد؛ به‌ویژه که در استانداردهای جهانی نیز پوشاندن لباس و یژه به متهمین هنوز به‌طور کامل منع نشده است؛ هرچند که این لباس باید متفاوت از لباس و یژه محکومین باشد. در واقع، این اقدام، فقط از باب اطمینان خاطر بوده است؛ گویی که قانون‌گذار از رویه عملی آگاه بوده و احساس نگرانی کرده است. دلیل این مطلب، آن است که تا زمانی که قانونی وجود نداشته باشد که اجازه پوشاندن لباس مجرمانه به سایر متهمین را بدهد، پوشاندن لباس مجرمانه به متهم، ممنوع است. وانگهی، حتی در صورت استناد به مفهوم مخالف این بند نیز، حکم آن نمی‌تواند به بیرون از زندان توسعه یابد؛ زیرا فقط ناظر به درون بازداشتگاه و زندان (نه بیرون از آن) است.

دوم اینکه، ماده ۱۰ «آیین‌نامه اجرایی ماده (۷۹) قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۳)» در راستای بسترسازی برای اجرای کیفرهای اجتماعی (خدمات عمومی رایگان) مقرر کرده است: «محکومان معرفی شده باید بدون هیچ گونه نشانه یا لباس متمایزی در نهاد پذیرنده حاضر و به انجام خدمت مبادرت ورزند». این ماده نیز قرینه‌ای بر آن است که نظام حقوقی ایران، مخالف استفاده از لباس مجرمانه در محیط‌های بیرون از زندان است. دلیل این حکم بسیار روشن است؛ هدف، حفظ اعتبار اجتماعی اشخاص و تسریع و تسهیل بازپروری آنها است. بر اساس این ماده، روشن است که وقتی شخص محکوم نباید لباس «تمتایز» بر تن داشته باشد، به طریق اولی، شخص متهم نباید چنین لباسی بر تن کند. در واقع، قاعده عمومی این است که لباس مجرمانه نباید در خارج از محیط زندان استفاده شود. به همین دلیل، در مرحلهٔ پساکیفری نیز نمی‌توان از لباس کیفری استفاده کرد.

۱. بدیهی است که ایراد یادشده، از حیث نظری است، وگرنه از حیث عملی و با ملاحظه رویه کنونی، این حکم کاملاً واقع‌بینانه است.

۲. اگر چنین منظوری داشته باشد، قانون نیاز به اصلاح دارد.

۲-۳-۱. مرحلهٔ پساکیفری

مرحلهٔ پساکیفری که با پایان اجرای کامل کیفر آغاز می‌شود، مرحلهٔ نوپدایی در پهنهٔ دادرسی کیفری است که تا همین اواخر چندان مورد توجه نبود (نک: دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد، ۱۳۸۸: ۸۸-۹۱؛ و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۱۶-۹۵). با این حال، در پرتو آموزه‌های جرم‌شناختی، به‌ویژه جرم‌شناسی بالینی (نک: بابائی، ۱۳۹۰) یا جرم‌شناسی بازپروری، ضرورت وجودی این مرحله تأیید گردیده و در قوانین و مقررات نیز به آن اشاره شد. در این مرحله، فرد به تدریج از فرآیند دادرسی کیفری خارج و به آزادی و زندگی عادی خویش بازمی‌گردد. با این حال، از آن‌جا که برخی از اشخاص پس از آزادی تا مدت‌ها نمی‌توانند به شرایط عادی خود بازگردند و در نتیجه، دوباره در مسیر بزهکاری قرار می‌گیرند، دولت‌ها یا نهادهای خصوصی تحت نظارت دولت، از رهگذر برنامه‌های امدادی، حمایتی و مراقبتی، از این دسته از افراد مراقبت می‌کنند که از آن به «مراقبت بعد از خروج» تعبیر می‌شود.^۱

با توجه به اینکه اقدامات مراقبتی این مرحله، جنبهٔ کیفری نداشته و صرفاً حمایتی است؛ از این‌رو، پوشش فرد نیز همان پوشش عادی و متعارف او بوده و هیچ‌گونه پوشش خاصی برای این مرحله تعیین نشده است. حتی بر اساس بنیان‌های نظری (حقوقی، جرم‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و...) نهاد مراقبت بعد از خروج، تحمیل هر گونه لباس در تعارض آشکار با این بنیان‌ها خواهد بود. از این‌رو در این مرحله، نه تنها هیچ‌گونه حکمی در زمینهٔ لباس مجرمانه وجود ندارد بلکه از اعطای لباس عادی به اشخاص آزادشده نیز سخن به میان می‌آید.^۲

نتیجه آنکه، بر اساس مطالب این بخش می‌توان گفت از آنجا که متهم در پناه فرض برائت قرار دارد، باید با لباس شخصی، انتخابی و متعارف خود در فرآیند رسیدگی و حتی نظرگاه، بازداشتگاه و زندان حاضر شود. از این‌رو، رویه‌هایی چون محاکمه در قفس (Themis Competition, 2011: 467-495; Tait, 2011: 1-19)، تراشیدن موی سر، پوشاندن لباس مجرمانه و... که یادگاری از دوران برده‌داری و استثمار زندانیان است^۳، خلاف موازین دادرسی منصفانه بوده و در یک نگاه حقوقی دقیق، توسعهٔ نظم و آیین زندان به دادگاه و به تعبیر بهتر، زندان‌سازی دادگاه است (A report by JUSTICE, 2015: 33) که قابل دفاع

۱. نک: مواد ۲۴۲-۲۳۷ «آیین‌نامهٔ زندان‌ها» (۱۳۸۴).

۲. مادهٔ ۲۴۵ «آیین‌نامهٔ زندان‌ها»، «... چنانچه محکوم هنگام خروج لباس‌های کافی نداشته و فاقد بضاعت باشد، رئیس زندان به وسیلهٔ انجمن حمایت از زندانیان موظف به تهیهٔ آنان می‌باشد.»

۳. در رأی رافین ((Ruffin v Commonwealth of Virginia (1871) 62 Va (21 Gratt 790))، دیوان ویرجینیا بیان کرد که زندانی به دلیل ارتکاب جرم، همهٔ حق‌های خود را به جز مواردی که قانون معین کرده است، از دست می‌دهد و حق‌های او از یک برده بیش‌تر نخواهد بود. در حقیقت، زندانی بردهٔ کشور است؛ زندانی از منظر قانون، یک مرده تعریف می‌شود! (ایستون، ۱۳۹۴: ۳۶-۴۲).

نبوده و باید از آن‌ها خودداری شود.^۱ این رویه، افزون بر ناسازگاری با استانداردهای جهانی، با اصول راهبردی دادرسی کیفری نیز هم‌خوانی ندارد که در بخش دوم نوشتار به آن پرداخته می‌شود.

۲. لباس متهم در نتیجه اصول راهبردی دادرسی کیفری

«اصول راهبردی دادرسی کیفری» یا «اصول حاکم بر دادرسی کیفری» (مواد ۲ تا ۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، پاره‌ای از موازین دادرسی منصفانه هستند که با هدف ایجاد توازن میان قدرت حاکمیت و آزادی‌های مدنی شهروندان، در اسناد فراملی و ملی پیش‌بینی شده‌اند که از آن‌ها با عناوینی چون «اصول دادرسی عادلانه» یا «مؤلفه‌های دادرسی عادلانه» نیز یاد می‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۵۱ و ۵۰). این اصول الهام‌گرفته از اسناد جهانی (آخوندی، ۱۳۹۴: ۷۱)، بنیان‌های استواری هستند که مانع انحراف مسیر دادرسی از اجرای عدالت می‌شوند (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۸: ۲۷). از مهم‌ترین این اصول، می‌توان به کرامت انسانی، فرض بی‌گناهی، قانون‌مندی، قضاء‌مندی، حریم‌مندی، برابری قانونی و قضایی، نفی شکنجه، بی‌طرفی، استقلال قضایی، نفی رسیدگی مجدد، دسترسی به وکیل و... اشاره کرد (نک: باقری‌نژاد، ۱۳۹۴؛ زراعت، ۱۳۸۲).

از آنجا که اصول راهبردی، شاخصی برای ارزیابی قواعد، تشریفات و رویه عملی دادرسی کیفری هستند و هر حکم یا رویه‌ای که با این اصول هم‌خوانی نداشته باشد، شایستگی ورود به حقوق دادرسی کیفری و همچنین، رویه نظام عدالت کیفری را نمی‌یابد^۲، در نتیجه، در نبود احکام صریح در مورد لباس متهم در نظام حقوقی ایران، پدیده لباس مجرمانه را باید با محک اصول راهبردی سنجد تا روشن گردد که آیا می‌تواند از این «آزمون اصولی» سربلند بیرون آید یا خیر. در این راستا، برای ارزیابی این رویه، چند اصل راهبردی، انتخاب و به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۱. اصل کرامت انسانی

اصل کرامت ذاتی انسان، مهم‌ترین کلیدواژه دانش‌نامه حقوق بشر و زیربنای تمامی هنجارهای حقوق بشر است. این اصل، نه یک هنجار ساده، بلکه اصلی راهبر است^۳ که سیاست جنایی دولت‌ها را در مسیر

۱. بر این اساس، این مطلب رئیس محترم سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که: «در حال حاضر هیچ زندانی در زندان، لباس زندانی به تن نمی‌کند مگر به ضرورت؛ برای مثال، هنگام اعزام به دادسرا یا دادگاه به سبب مسائل کنترلی و امنیتی، لباس زندانی به تن می‌کنند.» (تابناک، «زندانیان در ایران لباس زندانی نمی‌پوشند»، ۲۳ بهمن ۱۳۹۴، شناسه خبر: ۵۶۷۳۸۳، دسترسی‌پذیر در: <http://www.tabnak.ir/fa/news/567383>، واپسین بازدید: ۱۹ خرداد ۱۳۹۷)، مصداق بارز رفتار وارونه به شمار می‌رود و با قانون، استانداردها و اصول حقوقی هم‌خوانی ندارد.

۲. شاید معنای «حاکم» در عنوان فصل اول از بخش اول قانون آیین دادرسی کیفری نیز همین باشد.

۳. جایگاه راهبردی آن به تأیید رئیس پیشین دستگاه قضایی (سیاست‌گذار جنایی قضایی) نیز رسیده است: «اصل، کرامت انسان‌ها است و سایر مسائل باید در خدمت احیای کرامت باشد» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۸۹). یا «محور اصلی اصول توسعه قضایی

درست هدایت می‌کند. اصل کرامت انسانی، دو اثر ایجابی و سلبی دارد؛ در بُعد ایجابی، هر رفتاری که موجب اعتلای ارزش انسان شود، مهر تأیید «کرامت انسانی» را دریافت نموده و به منظومهٔ هنجاری راه می‌یابد. در بُعد سلبی نیز، هر رفتاری که موجب تخفیف ارزش انسان شود، رد گردیده و از منظومهٔ هنجاری خارج می‌شود (نک: قماش، ۱۳۹۳؛ رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷). این نکته در مورد رفتار با متهم نیز صادق است؛ زیرا، در نظم حقوقی نوین، آیین رفتار با متهم بر پایهٔ قاعدهٔ کرامت پی‌ریزی شده است. در این راستا، در اصل یکم «مجموعه اصول حمایت از تمامی اشخاص تحت هر گونه بازداشت یا حبس (۱۹۸۸)» مقرر شده است: «کلیهٔ اشخاصی که تحت هر گونه بازداشت یا حبس قرار دارند، باید به شیوه‌ای انسانی و با احترام به کرامت ذاتی آن‌ها به‌عنوان افراد انسانی، مورد رفتار قرار گیرند» (مرکز بین‌المللی اصلاح قوانین کیفری و سیاست جنایی، ۱۳۸۳: ۱۸۸-۱۸۷). در بند (۱) «اصول اساسی رفتار با زندانیان (۱۹۹۰)» نیز اشاره شده است: «با کلیهٔ زندانیان باید با احترام به کرامت و شأن انسانی رفتار گردد» (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸: ۵۱). بند ۱ ماده ۱۰ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)» نیز تأکید می‌کند: «دربارهٔ کلیهٔ افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند، باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسانی رفتار کرد.» (مرکز بین‌المللی اصلاح قوانین کیفری و سیاست جنایی، ۱۳۸۳: ۱۸۷) در حقوق داخلی نیز در اصول دوم (بند ۶) و سی و نهم قانون اساسی بر ضرورت احترام به کرامت ذاتی انسان تأکید شده و قانون‌گذار اساسی به اساسی‌سازی آن پرداخته است (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۲-۵۱). ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نیز اصل راهبردی کرامت انسانی را تأیید کرده و بستر آیین دادرسی کرامت‌مدار را بیش از پیش فراهم ساخته است: «... هر گونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص، جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت، این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.» بر اساس مستندات یادشده، تردیدی بر جای نمی‌ماند که قرارگرفتن در موضع اتهام یا محکومیت نمی‌تواند کرامت ذاتی انسان را سلب کند. این در حالی است که پوشاندن لباس مجرمانه، بدون تردید با کرامت ذاتی متهم هم‌خوانی ندارد (European Prison Rules: 49-50). این مطلب به اندازه‌ای بدیهی است که برای اثبات آن لزومی به استناد به قانون اساسی یا قوانین عادی یا متون حقوق بشری نیست؛ بلکه کافی است که به قاعدهٔ طلایی اخلاق که مورد تأیید شرع، عقل و عرف است، استناد شود که بر اساس آن، «هر کس باید با دیگران چنان رفتار کند که دوست دارد با او چنان رفتار شود».^۱ هیچ فردی نمی‌پسندد که

این است که ما این اصل را در درون دستگاه قضایی و نیز دیگر بخش‌های حاکمیت نظام و هم برای مردم، فرهنگ کنیم...» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۲۶).

۱. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سفارش به فرزند خویش می‌فرماید: «ای پسر! نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم پسند...» (سیدرضی، ۱۳۸۹: ۳۷۶-۳۷۵).

لباس مجرمانه پوشیده و در جلسه دادرسی به‌عنوان متهم در برابر مقامات قضایی، طرفین دادرسی، عموم شهروندان و به‌ویژه رسانه‌ها حاضر شده و تحقیر شود. تحقیر و رسوایی، ویژگی اصلی این لباس‌ها است. بی‌دلیل نیست که گافمن، الزام زندانیان به پوشیدن یونیفرم خاص و تراشیدن سر آنان را اقدامی برای شکستن شخصیت زندانی همراه با کم‌رنگ‌شدن هویت پیشین آنان دانسته و دیویس نیز این نابودی شخصیت را جزئی از روند «حیوان کردن محکومین» به‌شمار می‌آورد (ایستون، ۱۳۹۴: ۳۸). واقعیتی که از سوی محکومین نیز تأیید گردیده است. یکی از آنان می‌نویسد:

«حالا بدترین و حقارت‌بارترین بخش تجربه من اتفاق افتاده بود؛ چیزی که قابل توصیف نیست، هیچ واژه‌ای نمی‌تواند حس مرا وقتی به ایستگاه عمومی قطار در پدینت‌گتون رسیدم در حالی که تمام جمعیت به من که [به سایر زندانی‌ها] زنجیر شده بودم، خیره شده بودند، [بیان کند]. بخشی از جمعیت برای دیدن ما حرکتشان را سریع‌تر می‌کردند. البته افرادی هم بودند که آن‌قدر شرافت داشتند که سرشان را برگردانند. احساس می‌کردم آخرین ذره‌های نجابت در من در حال فروریختن است و به زودی تبدیل به یک هیولا خواهم شد.» (به نقل از: پرت، ۱۳۹۶: ۷۷)^۱

باری، رویه کنونی افزون بر نقض قوانین عادی و اصول حقوقی، در تعارض کامل با اصل سی و نهم قانون اساسی است که به‌موجب آن، «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است». عبارت «به هر صورت که باشد» در این اصل، نشان می‌دهد که قانون‌گذار اساسی خواسته است تمامی رفتارهای هتک‌کننده حیثیت انسانی، از جمله پوشاندن لباس مجرمانه را منع کرده و جرم‌انگاری می‌کند.^۲ نباید در مغایرت رویه کنونی با اصل یادشده، تردیدی به خود راه داد؛ چراکه رئیس پیشین دستگاه قضایی نیز این رویه را به‌طور صریح محکوم کرده و بیان کرده‌اند:

«آوردن و بردن زندانیان از بازداشتگاه و زندان با دست‌بند و زنجیر و در منظر عام با روح کرامت انسان از نظر اسلام مخالف است. حالا ممکن است اصل اتهام این شخص مربوط به چک باشد. رفتار با زندانیان خیلی بد است، سرتراشی، لباس مخصوص پوشیدن نسبت به بسیاری از زندانیان، ناروا و تحقیرآمیز است. ما نباید هر کسی را که وارد زندان شد او را یک مجرم و شرور بدانیم و هر چه بتوانیم او را تحقیر کنیم. تمام این رفتارها باید تغییر کند تا دستگاه قضایی اسلامی و مورد اعتماد مردم داشته باشیم...» (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۹۴: ۶۴)

۱. برای دیدن سایر اظهارات (نک: پرت، ۱۳۹۶: ۷۸-۷۷). البته، آنچه گفته شده ناظر به محکومین است؛ رنج متهم وصف‌ناپذیر است!

۲. از ویژگی‌های استثنائی این اصل، اشاره به «کیفرپذیری رفتار» است که زمینه طرح مفهومی با عنوان «جرم‌انگاری اساسی» را فراهم می‌سازد.

باری، جایگاه اصل کرامت، تا اندازه‌ای است که اگر در مرحله‌ای از دادرسی کیفری، سپر برائت از دست متهم بر زمین افتد، جوشن کرامت هیچ‌گاه از تن او بیرون نمی‌شود.^۱ از این رو، نباید با رفتارهایی چون پوشاندن لباس مجرمانه، کرامت ذاتی انسان را خدشه‌دار ساخت؛ به ویژه کرامت شخصی که هنوز بزهکاری او به اثبات نرسیده و در پناه فرض برائت است.

۲-۲. فرض برائت

اصل برائت یا تعبیر درست آن «فرض برائت» یا «اماره بی‌گناهی» (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۶۰)، نخستین حرف از حروف الفبای دادرسی کیفری و «یکی از پایه‌های اصلی حقوق کنونی است» (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۵۸) که از زمان باستان نیز بر ضرورت آن تأکید شده است؛ چندان که ادعا شده است «در زمره حقوق فطری عصر ما قرار دارد.» (آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۵۳) از همین رو، هم در اسناد داخلی اساسی و عادی^۲ و هم در اسناد فراملی جهانی^۳، منطقه‌ای و مذهبی بر ضرورت پایبندی به آن در تمامی مراحل رسیدگی (تقطعیت حکم) تأکید شده و در زمره اصول راهبردی قرار گرفته است. بر اساس این «اماره نجات‌بخش» (آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۶۰)، فرض می‌شود که متهم هیچ جرمی مرتکب نشده است و با او همچون اشخاص ناکرده بزه رفتار می‌شود. از این رو، بار اثبات اتهام بر عهده شخص مدعی، یعنی دادستان و شاکی است که باید با معیار یقین (فرا تر از تردید معقول) ثابت کند که شخص متهم، مرتکب جرم شده است. بیهوده نیست که از فرض برائت به مهم‌ترین سپر دفاعی متهم در برابر اتهامات انتسابی یاد می‌شود.

اینک، پرسش این است که آیا لباس مجرمانه با این اصل راهبردی هم‌خوانی دارد؟ پاسخ بدیهی و منفی است؛ زیرا، همان‌طور که در برخی از آرای دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا نیز بیان شده است، «فرض بی‌گناهی، مستلزم پوشش بی‌گناهی است.»^۴ (Quoted: Mukai, 1971: 394) در این نظام حقوقی پذیرفته شده است که:

«از آن‌جا که متهم، در مدت و جریان محاکمه خود، همچنان بی‌گناه فرض می‌شود، سزاوار آن است که در پیشگاه دادگاه، با ظاهر، ارزش و احترام یک انسان آزاد و بی‌گناه حاضر شود، مگر اینکه ایمنی و نظم دادگاه

۱. رویه کنونی با سیاست احیاکننده «ستر» یا «بزه‌پوشی» نیز هم‌خوانی نداشته و برخلاف این سیاست رحمانی، نه تنها محکوم بلکه متهم را نیز با لباس مجرمانه در عرصه‌های عمومی به‌طور علنی به نمایش می‌گذارد! (نک: صادقی، ۱۳۷۸: ۱۹۲-۱۶۱)

۲. اصل سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸ اصلاحی ۱۳۶۸): «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون، مجرم شناخته نمی‌شود مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» بند (۲) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳) نیز به این اصل اشاره دارد. ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقرر کرده است: «اصل، برائت است...» (نک: رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۳۱-۱۰۹؛ سرمست‌بناب، ۱۳۸۷)

۳. بند (۱) ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و بند (۲) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶).

۴. “The presumption of innocence requires the garb of innocence” Eddy v. People, 115 Colo. 488, 174 P. 2d 717 (1946).

غیر از این را ایجاب نماید. بنابراین، او سزاوار پوشیدن لباس شخصی به جای لباس زندان در محاکمه‌اش است. این [اقدام] نادرستی است که او را در حالی که همچون یک محکوم لباس پوشیده است، در پیشگاه هیئت منصفه‌ای که او را محاکمه می‌کند، یا فهرست اعضایی که از بین آن‌ها هیئت منصفه محاکمه‌کننده او به قید قرعه انتخاب می‌شوند، حاضر کرد.»^۱

این قاعده به روشنی بر این نکته دلالت دارد که شخص متهم، مشمول «آیین رفتار با بی‌گناهان» بوده و با او باید بر اساس فرض بی‌گناهی رفتار شود. فرض بی‌گناهی نیز ایجاب می‌کند که متهم بتواند همانند یک شهروند عادی، با لباس شخصی، متعارف و انتخابی خود در تمامی فرآیند رسیدگی حاضر شود. تنها در موارد استثنائی و به‌عنوان آخرین راه چاره می‌توان برخی محدودیت‌های موقت، مانند بازداشت موقت یا دست‌بند^۲ را بر شخص متهم تحمیل کرد.^۳ این در حالی است که پوشاندن لباس مجرمانه، این پیام را به متهم منتقل می‌کند که دستگاه عدالت کیفری وی را هم‌ردیف با مجرمین دانسته و وضعیت حقوقی وی را از یک شهروند عادی جامعه به یک فرد محکوم تغییر داده است و با او آن‌چنان رفتار می‌کند که شایسته رفتار با مجرمین است؛ گویی که نظام عدالت کیفری فرض را بر مجرمیت گذاشته است! بی‌دلیل نیست که گفته شده است: «با محروم‌شدن از لباس بی‌گناهی، متهم همچون یک مجرم مجسم شده است.» (Neds, 1972: 676) این انقلاب رفتاری از «رفتار برائت‌محور» به «رفتار مجرمیت‌محور» سبب می‌شود که افزون بر کارگزاران نظام عدالت کیفری، جامعه نیز به دیده مجرم به او نگاه کند؛ به ویژه که «از دیدگاه بسیاری از مردم، اتهام برابر با مجرمیت است.» (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۵۴) وانگهی، این لباس‌ها حتی ممکن است به‌طور غیرمستقیم و ناخواسته بر مقامات قضایی نیز تأثیر منفی گذاشته و باعث شود تا دادرسی را با پیش‌داوری آغاز کنند. این در حالی است که پیش‌داوری، نخستین پرتگاهی است که در مسیر فرض برائت قرار دارد و دادرسان در آن سقوط می‌کنند. همچنان که، دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در دعوی باربرا مسگه^۴ و خاباردو^۵ علیه

1. 21 Am Jur 2d, Criminal Law, § 239, pp. 275, 276. See: People v. Shaw (1969), available at: <https://law.justia.com/cases/michigan/supreme-court/1969/381-mich-467-0.html>; also Eaddy v. People, 174 P.2d 717 (Colo. 1946), available at: <https://www.courtlistener.com/opinion/3319035/eaddy-v-people/>, Last visited: 8 June 2018.

۲. به‌موجب بند (الف) قاعده ۴۷ «حداقل قواعد زندانبان (۲۰۱۵)»، «برای پیشگیری از فرار زندانی به هنگام انتقال او، به شرط آنکه به محض حضور زندانی در مقابل مرجع قضایی یا اداری، آلات محدودکننده از بدن او باز شود»، اجازه استفاده از ابزارهای محدودکننده داده شده است (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۳۸۱: ۵۹-۵۸). ملاحظه می‌شود که در پیشگاه دادگاه نمی‌توان از این ابزارها بهره گرفت.

۳. دشواری کار، زمانی بیشتر می‌شود که متهم، هم‌زمان با چندین محدودیت رویه‌رو می‌شود: لباس مجرمانه، کنترل ضابطین، دست‌بند، پابند، کمربند ایمنی، قفس، سر تراشیده، پافزار پاره و... در چنین مواردی بدیهی است که فرض برائت از بین رفته و دادرسی منصفانه دیگر معنایی ندارد. (See: Neds, 1972: 675-676)

4. Barbera Messegue

5. Jabardo

اسپانیا (مارس ۲۰۰۱) به این نکته اشاره نموده و دادگاه را از پیش داوری بر حذر داشته است: «فرض برائت ایجاد می‌کند که اعضای دادگاه علاوه بر سایر وظایفی که بر عهده دارند، با پیش داوری مبنی بر ارتکاب جرم توسط متهم، رسیدگی را آغاز نکنند [...]» (آشوری، ۱۳۹۵: ۲۹)؛ زیرا، پیش داوری دادرس را به سمت دادرسی ذهنی سوق داده و از توجه به تمامی واقعیت‌های پرونده (دادرسی عینی) دور می‌سازد. در نتیجه، احتمال محکومیت متهم را افزایش داده و سبب انقلاب رفتاری از رفتار برائت‌محور به رفتار مجرمیت‌محور می‌شود. بی‌عدالتی آشکار است که به صرف توجه اتهام به سوی یک فرد، رفتاری برابر با مجرمین و حتی شدیدتر از آن با وی شود؛ زیرا شخص زندانی، محکوم است و نه متهم و از سوی دیگر، تنها در محیط زندان از لباس زندانیان استفاده می‌کند. زندانی در ایام مرخصی و دوره آزادی مشروط و... هیچ‌گاه لباس زندان نمی‌پوشد. این در حالی است که شخص بازداشت‌شده مجبور است با همان لباس زندان در دادرسی حاضر شود؛ وضعیتی که قانون‌مندی دادرسی کیفری را نیز با نقد مواجه می‌سازد.

۲-۳. اصل قانون‌مندی آیینی

اصل قانون‌مندی، سنگ زیربنای حقوق جنایی و به تعبیر دیگر، اصل‌الاصول حقوق جنایی است که امروزه یکی از هنجارهای بنیادین حقوق بشر به شمار رفته و در بسیاری از قانون‌های اساسی^۱ نیز اساسی‌سازی شده است (نک: حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸؛ هالوی، ۱۳۹۴). قانون‌مندی آیینی (شکلی)، «به این معنی است که تشکیلات و ساختارهای قضایی و حدود صلاحیت و اختیار آن‌ها و نحوه عملکرد کنشگران فرآیند دادرسی کیفری باید مبتنی بر قانون باشد و از هر گونه اقدام سلیقه‌ای و خودسرانه جلوگیری شود.» (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۵۹) بر اساس این اصل، تمامی تصمیمات، تدابیر و اقدامات کارگزاران نظام عدالت کیفری باید به‌موجب قانون باشد؛ به‌ویژه اگر آن تصمیم، تدبیر یا اقدام منجر به تحدید یا سلب حق‌ها یا آزادی‌های مشروع اشخاص گردد. به بیان دیگر، تا منع قانونی صریحی وجود نداشته باشد، اصل بر آزادی رفتار شهروندان بوده و کارگزاران نظام عدالت کیفری از مداخله منع می‌شوند. در همین راستا، ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، اصل قانون‌مندی آیینی را به‌عنوان نخستین اصل راهبردی، شناسایی و با بیانی کوتاه و رسا مقرر کرده است: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد...» بر پایه این اصل، تعیین تمامی امور مربوط به دادرسی کیفری، از جمله وضعیت لباس متهم، بر عهده قانون‌گذار است و تا منع قانونی صریحی وجود نداشته باشد، متهم باید با لباس شخصی خود در تمامی فرآیند رسیدگی حاضر شود. این در حالی است که با بررسی قوانین دادرسی کیفری آشکار می‌شود که هیچ مستند قانونی در این زمینه وجود ندارد. در نتیجه، رفتارهایی چون پوشاندن لباس زندان، پافزار پاره، سرتراشی و... مغایر با اصل قانون‌مندی

۱. نک: اصول بیست و دوم، بیست و پنجم، سی و دوم و سی و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸) اصلاحی (۱۳۶۸).

آیینی بوده و مصداق بارز نقض حاکمیت قانون است؛ قانونی که باید بر مبنای برابری طرفین دادرسی تنظیم شود و سلاح‌های برابری در اختیار طرفین دعوی قرار دهد.

۴-۲. اصل برابری سلاح‌ها

اصل برابری سلاح‌ها از مفاهیم نوپیدا در قلمرو حقوق کیفری آیینی است (نک: ساقیان، ۱۳۸۵: ۱۱۰-۷۹) که رشد و بالندگی خود را مدیون دادگاه و کمیسیون اروپایی حقوق بشر است. این اصل، «به این معنا است که هر یک از طرف‌های دعوا باید بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد.» (توسلی نائینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۱) بر این اساس، «دو طرف دعوی عمومی یعنی متهم و مقام تعقیب، باید در جریان رسیدگی از وسایل و امکانات برابر برخوردار باشند تا بتوانند در شرایط مساوی از موضع خود دفاع نمایند.» (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۵۰-۲۴۹) منظور از «سلاح» در این اصل، همان «حق‌ها» و «آزادی‌ها»ی آیینی است که به شخص قدرت، امکان و فرصت حضور و مشارکت فعال در تمام فرآیند دادرسی را می‌دهد تا در وضعیتی برابر با طرف مقابل خود (شاکلی یا دادستان) قرار داشته و از امکانات نسبتاً برابری بهره‌مند شود. هدف اصلی از این اصل نیز، «برابری در موقعیت و حقوق طرفین دعوی» است؛ هرچند که بدیهی است برابری طرفین دعوی، هیچ‌گاه کامل و مطلق نخواهد بود. باری، تنها در وضعیت برابر است که آیین تناظر به اجرا گذاشته شده، دادرسی توافقی معنای راستین خود را پیدا کرده و حقیقت نیز برای دادگاه آشکار می‌شود. از همین رو، در ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، اصل برابری سلاح‌ها، به‌عنوان یکی دیگر از اصول راهبردی دادرسی کیفری شناسایی شده است؛ هرچند که بهتر بود قانون‌گذار با عبارات صریح‌تری به این اصل اشاره می‌کرد. به‌موجب این ماده: «دادرسی کیفری باید ... حقوق طرفین دعوی را تضمین کند...» بر این اساس، فرض اولیه و اصلی حاکم بر فرآیند دادرسی کیفری این است که حق‌های طرفین دادرسی برابر و هم‌وزن هستند و برابری قضایی طرفین باید رعایت شود.^۱ از این رو، تبعیض و نابرابری ناروا بین آنان روا نیست.

با توجه به هدف اصل برابری سلاح‌ها و معنا و مفهومی که از «سلاح» و «برابری» ارائه شد، روشن است که لباس متهم نیز از مهم‌ترین حق‌ها و آزادی‌های آیینی او به‌شمار می‌رود. از این رو، طرفین دادرسی، در این زمینه نیز باید از حق‌های برابری بهره‌مند شوند. نمی‌توان پذیرفت که یک طرف دعوی، حق (و گاه تکلیف) داشته باشد تا با لباس احترام‌آمیز در دادرسی شرکت کنند^۲، ولی طرف دیگر دعوی، به اجبار، لباسی مالا مال

۱. بر همین اساس در دادرسی اسلامی، برابری بین طرفین دعوی واجب بوده (سنگلجی، ۱۳۹۵: ۱۱۱) و از «اصول بنیادین دادرسی اسلامی» شناخته می‌شود (موسوی اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۳). حتی تأکید شدید شده است که دادرس در نگاه، سلام و کلام خود با طرفین دادرسی نیز باید برابری را رعایت کند (قاعده تساوی در اکرام). (نک: محمدی جورکوپه و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۱-۳۰)
 ۲. در رابطه با آیین پوشش دادرس در فقه اسلامی (نک: سنگلجی، ۱۳۹۵: ۱۰۴). همچنین در مورد لباس وکیلان دادگستری، نک: ماده ۴۵ آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (۱۳۳۴).

از تحقیر و شرم بر تن نموده و با ترس، لرز و احساس ناامیدی در گوشه‌ای خمیده شود تا از نگاه مردم و رسانه‌ها رهایی یابد.

باری، با پوشاندن لباس مجرمانه، نظام عدالت کیفری نه تنها سلاحی در اختیار متهم نمی‌گذارد بلکه بدیهی‌ترین سلاح دفاعی او، یعنی لباسش را نیز به زور از تنش بیرون کرده و با این اقدام، توانایی فکر، استدلال و تکلم با همان دفاع منصفانه را از او سلب کرده و حقوق دفاعی متهم (ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) را محدود می‌سازد. بدیهی است که در چنین حالتی، اصل بنیادین برابری نقض می‌شود؛ زیرا، اصل برابری قضایی ایجاب می‌کند که طرفین دادرسی در موارد مشابه، از حق‌های مشابه برخوردار شوند. این در حالی است که نه تنها وضعیت شخص متهم با سایر طرفین دادرسی برابر نیست بلکه با سایر متهمین که در آزادی به سر می‌برند نیز نابرابر است. توضیح اینکه، با دقت در طبیعت این اقدام، می‌توان به دو گونه نابرابری پی برد: الف) نابرابری بین اصحاب دعوی و ب) نابرابری بین این دسته از متهمین با سایر متهمینی که با لباس شخصی خود در مرجع قضایی حاضر می‌شوند. از این نگاه، پوشاندن لباس مجرمانه به متهم، با بخش دیگر ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نیز در تعارض است؛ آنجا که اشاره می‌کند قواعد دادرسی کیفری باید «نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.» زیرا پیامد رویه کنونی، چنین است که از بین دو متهمی که از هر جهت به جز دسترسی به خویشاوندان یا توانایی مالی وضعیت یکسانی دارند، شخصی که خویشاوند یا توانایی مالی ندارد، راهی بازداشتگاه شده و با لباس مجرمانه محاکمه می‌شود؛ ولی شخصی که خویشاوند یا توانایی مالی دارد، با قرارهای تأمین مالی، آزاد گشته و با لباس خود در مرجع قضایی حاضر می‌شود! در نتیجه، فرد فقیر و بی‌کس به دلیل فقر خود (فقر اولیه) ناچار از تحمل حقارت نیز می‌شود و این حقارت، به تدریج فقر او را تشدید می‌کند؛ زیرا برچسب‌های منفی، اعتبار اجتماعی و فرصت‌های شغلی او را محدود می‌سازد که می‌توان از آن به «فقر ثانویه» تعبیر کرد. به این ترتیب، آن که «فقیر» بود، «حقیر» نیز شده (حقیرسازی) و روزبه‌روز «فقیرتر» می‌شود (فقیرسازی).

خلاصه آنکه، الزام متهمین به پوشیدن لباس مجرمانه نمی‌تواند با اصل برابری سلاح‌ها و برابری قضایی طرفین دادرسی هم‌خوانی داشته باشد؛ زیرا بدون هیچ‌گونه ضرورتی متهم را در وضعیتی کاملاً نابرابر با دادستان و شاکی قرار داده و او را تا جایگاه محکوم تنزل داده و با او چون مجرم رفتار می‌شود؛ وضعیتی که بدون تردید بی‌طرفی مرجع رسیدگی را نیز تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

۵-۲. اصل بی‌طرفی مرجع قضایی

اصل بی‌طرفی مرجع قضایی، یکی از مهم‌ترین موازین دادرسی منصفانه به شمار می‌رود که در بیشتر اسناد جهانی حقوق بشر بر ضرورت رعایت آن تأکید شده است (نک: ناجی، ۱۳۸۵: ۷۸-۲۹؛ و ناجی زواره، ۱۳۹۱). در تازه‌ترین تحولات دادرسی کیفری، این اصل در ردیف اصول راهبردی قرار گرفته و در همین راستا، ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری بر ضرورت بی‌طرفی مراجع قضایی تأکید و مقرر نموده است:

«مراجع قضایی باید با بی طرفی ... کامل به اتهام انتسابی به اشخاص ... رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند.»

در تعریف بی طرفی گفته شده است: «بی طرفی به این معنی است که قاضی در فرآیند دادرسی از تمایل شخصی، گروهی و دیگر خواسته‌هایی که سبب جانب‌داری شود پرهیز کند. قاضی باید برای طرفین فرصت برابری ایجاد کند که بتوانند ادعا یا دفاعیات خود را آزادانه ارائه دهند و مبتنی بر آن دلایل و دفاعیات قضاوت کند و از هیچ‌یک از طرفین جانب‌داری نکند.» (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۵۵) بی طرفی کامل مرجع قضایی، ایجاب می‌کند که دادرس حائز شرایطی باشد: الف) بدون پیش فرض یا پیش داوری رسیدگی را آغاز نماید؛ ب) گرایش یا نفرت نژادی، قومی، مذهبی، زبانی و... نسبت به طرفین نداشته باشد؛ پ) نفع شخصی در دعوی نداشته باشد؛ ت) خصومتی با طرفین دعوی نداشته باشد؛ ث) تحت فشار یا نفوذ سایرین قرار نگیرد؛ ج) نسبت خویشاوندی نزدیک با طرفین دادرسی نداشته باشد؛ و چ) رفتاری ننماید که بی طرفی او را تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به آنچه گفته شد، ناگفته پیدا است که پوشاندن لباس مجرمانه، نقض آشکار «اصل بی طرفی کامل» دادگاه است. وصف کامل، اشاره به حالتی از رسیدگی دارد که هیچ گونه جانب‌داری، گرایش به یکی از طرفین، لحاظ نفع شخصی، نگاه و رفتار نابرابر با طرفین، برتری یکی بر دیگری و... در عملکرد دادگاه مشاهده نشود؛ تا جایی که بی طرفی دادگاه از سوی طرفین دعوی و ناظران احساس شود. این در حالی است که لباس مجرمانه، افزون بر اینکه بر بی طرفی ذهنی یا درونی دادرس تأثیر منفی گذاشته و او را به سمت پیش داوری سوق می‌دهد (دادرسی ذهنی)، بلکه با بی طرفی عینی یا بیرونی مرجع قضایی نیز در تعارض است. از این رو، تردیدی نیست که لباس مجرمانه منافع متهم را تحت تأثیر شدید قرار می‌دهد. دادگاهی که متهم را با لباس مجرمانه می‌پذیرد، او را در جایگاه پست تر قرار داده و تا پایان دادرسی تحقیر می‌کند؛ صرف نظر از اینکه دادگاه‌ها در مواردی، مانند محاکمات تروریستی و...، آشکارا جانب حکومت‌ها را گرفته و اصل بنیادین بی طرفی را نقض می‌کنند. باری، یکی از مظاهر بارز رعایت بی طرفی کامل، لباس برابر طرفین دعوی است. نظام عدالت کیفری که شخص متهم را با لباس مجرم محاکمه می‌کند، به وضوح نشان می‌دهد که بی طرف نیست. چنین نظامی نمی‌تواند ادعای بی طرفی کند؛ زیرا رفتار برابری با طرفین نداشته و حق‌های شهروندی آیینی را نقض کرده است.

۶-۲. اصل احترام به حق‌های شهروندی آیینی^۱

رعایت حق‌های شهروندی، یکی از اصول راهبردی دادرسی کیفری به شمار می‌رود (آشوری، ۱۳۹۵: ۲۴)؛ حق‌هایی که عمدتاً در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳)» به آن‌ها

۱. حق‌هایی آیینی یا رویه‌ای، آن دسته از حق‌های بشری و شهروندی هستند که اشخاص در زمان طرح و رسیدگی به دعاوی در نهادهای قضایی و شبه‌قضایی از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند.

اشاره شده است (نک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۳۰-۱۳). تأمل در بندهای این ماده واحد^۱، نشان می‌دهد که لباس مجرمانه در تعارض آشکار با حق‌های شهروندی آیینی است. توضیح اینکه بر اساس بند (۲) «... اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد». این در حالی است که پوشاندن لباس مجرمانه، مغایر فرض برائت بوده و امنیت قضایی متهم را تهدید می‌کند؛ لباس فرد بخشی از امنیت او است (امنیت پوششی).

طبق بند (۳)، محاکم و دادرها مکلف شده‌اند «حق دفاع متهمان» را رعایت کنند. حق‌های دفاعی متهم زمانی به نحو مطلوب تأمین می‌شود که بتواند با پوشش شخصی و متعارف خود در دادرسی شرکت کرده و به دور از تحقیر و نگاه‌های منفی از خود دفاع کند. فردی که در اسارت لباس‌ها و نگاه‌های تحقیرآمیز است، توانایی دفاع منصفانه را از دست می‌دهد.

به موجب بند (۴)، «با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد». این بند، دادرسی کیفری را به اخلاق پیوند می‌زند. ناگفته پیداست که در سنجه دادرسی اخلاق مدار، لباس مجرمانه، با اخلاق و موازین اسلامی هم‌خوانی ندارد. از یک نظام عدالت کیفری اخلاق مدار نمی‌توان انتظار رویه‌هایی چون لباس مجرمانه، سرتراشی و... را داشت. این رویه‌ها نه تنها اقتدار آفرین و امنیت‌زا نیست بلکه موجب کاهش اعتبار دستگاه قضایی و اعتماد مردم به آن می‌شود. وانگهی، این رفتارها نوعی خشونت قضایی یا خشونت ساختاری است (نک: طاهری، ۱۳۸۵؛ حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۶-۱) که اخلاق اجتماعی را تضعیف می‌کند. به جرأت می‌توان گفت که در بین قوای سه‌گانه، هیچ‌یک به اندازه قوه قضائیه ملزم به رعایت موازین اخلاقی نیست. رفتار اخلاق‌گریز این قوه، پیامدهای منفی بیشتری نسبت به سایر قوا دارد.

مطابق بند (۵)، «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است...» بر این اساس، اگر دستگیری و بازداشت افراد تنها باید به «ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است»، هیچ قانونی وجود ندارد که «ترتیبی» برای پوشاندن لباس مجرمانه به متهم تعیین نموده باشد.

بر اساس بند (۶)، «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد، نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان اجتناب گردد.» صراحت و قاطعیت این بند، راه را بر هر گونه استدلال مخالف می‌بندد؛ زیرا لباس مجرمانه، بدون شک موجب اذاء، تحقیر و استخفاف اشخاص است.

۱. در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری، تخلف از این تکالیف به‌عنوان یکی از مصادیق بارز جرائم علیه دادرسی منصفانه، جرم‌انگاری شده و قانون‌گذار با این اقدام، درصدد حمایت کیفری از دادرسی منصفانه برآمده است.

به موجب بند (۷)، «بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.» این بند که ناظر به آیین بازجویی است، با بیان تمثیلی خود، اقداماتی همچون پوشاندن صورت، نشستن پشت سر متهم و سایر رفتارها را به عنوان «اقدام‌های خلاف قانون» توصیف می‌کند. سرشت لباس مجرمانه با این رفتارها انطباق کامل دارد و در نتیجه، ممنوع است.

خلاصه آنکه، الزام متهمین به پوشیدن لباس مجرمانه، نقض آشکار حق‌های شهروندی آیینی است. هر شهروندی حق دارد تا زمانی که به‌طور قطعی محکوم نشده است، از پوشش انتخابی، متعارف و انتخابی خود بهره‌مند شود و هیچ مرجع و مقامی نمی‌تواند این حق را از وی سلب کند.

به‌عنوان نتیجه بخش دوم، می‌توان گفت که پوشاندن لباس مجرمانه به متهم، در تعارض کامل با اصول راهبردی دادرسی کیفری بوده، امنیت قضایی شهروندان را تهدید نموده و دادرسی منصفانه را در محاق فرومی‌برد. آفتاب درخشان دادرسی منصفانه، درست آنجایی غروب می‌کند که دو اصل بنیادین «کرامت» و «برائت» مورد انکار اساسی قرار گیرند؛ یعنی آنجایی که با متهم همچون مجرم و به‌صورت تحقیرآمیز رفتار شود؛ یعنی آنجایی که به او لباس مجرمانه پوشانده شده و در انظار عمومی آورده شود.

نتیجه

آیین دادرسی کیفری هر کشور، آیین تمام‌نمای تمدن و سطح رشد اخلاقی آن است. از همین رو، می‌توان پیوند تنگاتنگی بین آیین دادرسی کیفری، تمدن و اخلاق برقرار کرد؛ به این معنا که به موازات رشد و پیشرفت تمدن بشری و اخلاق آن، الگوی دادرسی کیفری آن نیز به سوی تکامل، تعالی و اخلاق گام برمی‌دارد. در همین راستا، تمدن کنونی بشر نیز الگوی دادرسی منصفانه را به‌عنوان مطلوب‌ترین الگوی دادرسی کیفری به رسمیت شناخته و به دنبال جهانی‌سازی آن است. ثمره اصلی رشد و پیشرفت تمدن بشری، تجویز هنجارها و رویه‌های کرامت‌محور از یک سو و ممنوعیت هنجارها و رویه‌های مغایر با کرامت انسانی از سوی دیگر است. باری در نظم حقوقی نوین، کرامت انسانی زیربنای اصلی دادرسی منصفانه است و از این رو، تحقیر هر انسانی، از جانب هر شخص و به هر صورت که باشد، ممنوع است. بر همین اساس، رفتارهایی چون پوشاندن لباس مجرمانه، نقض آشکار کرامت انسانی و آیین رفتار برائت‌محور به شمار می‌رود. چنین رفتارهایی، نه تنها کرامت انسانی را نادیده می‌گیرند بلکه انکار اساسی فرض بنیادین برائت کیفری است. از این رویکرد، پوشاندن لباس مجرمانه، به‌عنوان یک نماد اجتماعی سرکوب‌گر و تحقیرکننده، مصداق بارز ابزارگرایی کیفری و کاربرد ناروای قدرت کیفری است؛ زیرا در چنین مواردی، خود لباس نقش کیفر را ایفا کرده و کارکرد کیفری پیدا می‌کند و شاید به همین دلیل است که از آن با عنوان لباس کیفری یاد می‌شود. ناگفته پیداست که چنین رویه‌ای، سازگاری بیشتری با سرشت دادرسی‌های تفتیشی، الگوی دادرسی کنترل جرم و نظام‌های سیاست جنایی اقتدارگرا دارد که وصف مشترک همه آن‌ها برتری منافع اجتماعی، به‌ویژه منافع نهادهای قدرت، بر حق‌ها و آزادی‌های مدنی است. این در حالی است که در منظومه دادرسی منصفانه،

چنین رفتارهایی همواره محکوم به بطلان است. از منظر دادرسی منصفانه، پوشاندن لباس مجرمانه به متهم، توسعه نظم زندان به دادگاه و زندان‌سازی دادگاه به شمار رفته و بدون تردید، با حق بهره‌مندی از دادرسی منصفانه در تعارض است؛ به گونه‌ای که نه تنها با اسناد جهانی هم‌خوانی ندارد بلکه در قوانین و مقررات داخلی نیز نمی‌توان مستندی برای آن یافت. در مقابل، مستندات حقوقی متعددی وجود دارد که دلالت بر این نکته دارند که «لباس متهم نمی‌تواند و نباید لباسی غیر از لباس شخصی، متعارف و انتخابی او باشد.» از منظر اصول راهبردی دادرسی کیفری نیز پوشاندن لباس مجرمانه به متهم، با اصول بنیادینی چون کرامت انسانی، قانون‌مندی، فرض برائت، برابری سلاح‌ها، بی‌طرفی و پاسداری از حق‌های شهروندی آیینی در تعارض است. بر پایه اصول راهبردی، شخص متهم، از این حق برخوردار است که با پوشش شخصی، انتخابی و متعارف خود، در تمامی مراحل دادرسی کیفری حاضر شود و هیچ مقام و مرجعی نیز نمی‌تواند او را از این حق محروم سازد. از این رو، شایسته است که نظام عدالت کیفری نیز رویه‌های خود را با این اصول هماهنگ سازد. توجیه‌پذیر نیست که نظام عدالت کیفری، از یک سو در ماده ۳ «آیین‌نامه زندان‌ها»، هدف حبس را بازپروری اعلام کرده و زندان را کانون «حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی» قرار داده و در ماده ۹۰، زندانیان را از پوشیدن لباس زندان معاف کند؛ ولی از سوی دیگر، با شخص متهم رفتاری نماید که درست در نقطه مقابل این سیاست‌های انسان‌دوستانه و بازپرورانه قرار دارد. این دوگانگی در سیاست جنایی تقنینی و سیاست جنایی قضایی و اجرایی، با حکمت سیاست‌گذار جنایی هم‌خوانی ندارد که از یک سو، با محکوم مدارا می‌کند تا هر چه زودتر به زندگی شرافتمندانه خویش بازگردد و از سوی دیگر، با متهم چنین سخت‌گیرانه و تحقیرآمیز رفتار می‌کند تا از زندگی شرافتمندانه خویش دور افتد.

نتیجه آنکه، رویه کنونی نظام عدالت کیفری، با استانداردهای جهانی، قوانین و مقررات داخلی و اصول راهبردی دادرسی کیفری در تعارض کامل است؛ چراکه تمامی اسناد، قوانین و اصول بر این نکته دلالت دارند که آیین رفتار با مظنون و متهم بسیار متفاوت از آیین رفتار با محکوم بوده و با ایشان همواره باید بر پایه فرض بی‌گناهی رفتار شود. از این رو، ضروری است که تغییر اساسی در رویه نظام عدالت کیفری که ناعادلانه، بی‌فایده و زیان‌بار است، صورت گرفته و رفتارهای مجرمیت‌محوری چون لباس مجرمانه، سرتراشی، پابندزدن، پوشاندن پافزار پاره و... جای خود را به رفتارهای برائت‌محور داده و از نظام عدالت کیفری، خشونت‌زدایی گردد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود که در قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شود که استفاده از لباس مجرمانه با هر گونه لباسی غیر از لباس شخصی، متعارف و انتخابی متهم در فرآیند دادرسی کیفری و همچنین بیرون از زندان ممنوع است.

البته، آنچه گفته شد به معنای آن نیست که حقوق دادرسی کیفری باید صرفاً منافع متهم را تضمین کرده و از تأمین امنیت جامعه و تضمین حقوق بزه‌دیدگان غفلت ورزد؛ بلکه هدف، بیان این مطلب است که آنچه در توجیه پوشاندن لباس مجرمانه به متهمین از سوی مسئولین مطرح می‌شود، از یک سو نمی‌تواند توجیه کافی برای نقض حق‌های متهم باشد، هدف نمی‌تواند وسیله را توجیه کند، و از سوی دیگر، روش‌های

بهتری وجود دارند که دستگاه قضایی باید آن‌ها را به کار گیرد. دستگاه قضایی کشور باید مشکل فرار احتمالی متهمین را با توسعه ابزارهای نظارتی، به ویژه ابزارهای الکترونیکی برطرف کند. افزون بر این، تأمین «امنیت» نیز باید بر اساس حکم قانون و نه تشخیص افراد صورت پذیرد.

منابع

فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، شناسای آیین دادرسی کیفری، دفتر اول، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات دوران‌دیشان.
- آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، شناسای آیین دادرسی کیفری، دفتر هفتم، چاپ دوم، تهران: انتشارات دوران‌دیشان.
- آشوری، محمد (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، جلد نخست، چاپ نوزدهم، ویراست پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ سی‌ام، ویراست دوم، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- ایستون، سوزان (۱۳۹۴)، اصول و رویه عملی حقوق زندانیان: بررسی وضعیت کشورهای انگلستان، آمریکا و هلند، ترجمه فراز شهلائی، تهران: انتشارات نگاه بینه.
- بوشهری، جعفر (۱۳۹۳)، حقوق جزا: زندان، جلد دهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پرت، جان (۱۳۹۶)، مجازات و تمدن: تساهل و عدم تساهل کیفری در جامعه مدرن، ترجمه هانیه هژبرالساداتی، تهران: نشر میزان.
- تابناک، «زندانیان در ایران لباس زندانی نمی‌پوشند»، ۲۳ بهمن ۱۳۹۴، شناسه خبر: ۵۶۷۳۸۳، دسترسی‌پذیر در: <http://www.tabnak.ir/fa/news/567383> (واپسین بازدید: ۱۹ خرداد ۱۳۹۷)
- توسلی‌نائینی، منوچهر و همکاران (۱۳۹۵)، «اصل برابری سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۴ (تابستان).
- خالقی، علی (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، جلد نخست، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- دانش، تاج زمان (۱۳۳۵پ)، کیفرشناسی و حقوق زندانیان، تهران: چاپخانه زندان قصر.
- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (۱۳۸۸)، مجموعه اسناد استانداردها و هنجارهای سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، ترجمه معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، تهران: انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد (۱۳۸۸)، کتاب راهنمای مدیران زندان و سیاستگذاران (درباره زنان و زندان)، ترجمه معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- رحیمی‌نژاد، اسمعیل (۱۳۹۵)، تاریخ تحولات حقوق کیفری، تهران: انتشارات مجد.
- سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی (۱۳۸۱)، رویه عملی در زندان: کاربرد مقررات بین‌المللی در امور زندان‌ها، ترجمه رضا علی اکبرپور، تهران: انتشارات راه تربیت.
- سازمان عفو بین‌المللی (۱۳۹۰)، دادرسی عادلانه، ترجمه فریده طه و لیلا اشرافی، تهران: نشر میزان.
- سایت تحلیلی خبری عصر ایران، «زنان متهم به فساد مالی در دادگاه چه می‌پوشند»، شناسه خبر: ۲۱۵۳۲۳، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۱، دسترسی‌پذیر در: <http://www.asriran.com/fa/news/215323/> (واپسین بازدید: ۱۹ خرداد ۱۳۹۷)
- سنگلجی، محمد (۱۳۹۵)، قضا در اسلام، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سیدرضی (۱۳۸۹)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران: انتشارات پیام عدالت.

- شهباز، سمانه، «نگاهی به پوشش و وضع ظاهری زندانیان: متهمانی با دمپایی‌های پاره‌پاره!»، روزنامه ایران، سال نوزدهم، شماره ۵۲۶۹، دوشنبه، ۲۳ بهمن ۱۳۹۱، ص. ۲۲، دسترسی‌پذیر در:
<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2677858> (۱۲ خرداد ۱۳۹۷)
- کاتوزیان، ناصر (زمستان ۱۳۸۳)، «یأس از اثبات و اصل برائت»، فصلنامه حقوق، شماره ۶۶.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۳)، تاریخ تحولات زندان، تهران: نشر میزان.
- مرکز بین‌المللی اصلاح قوانین کیفری و سیاست جنایی (ونکوور - کانادا) (۱۳۸۳)، حبس انسان‌مدار، ترجمه حسن طغرانگار، تهران: انتشارات راه تربیت.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۷۸)، «اصول دادرسی کیفری از دیدگاه امام علی (ع)»، فصل‌نامه مصباح، سال نهم، شماره ۳۴.
- موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (۱۳۹۲)، حقوق و دادرسی کیفری در آئینه فقه (مطابق با نظرات و فتاوی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی)، جلد اول، تهران: انتشارات رادنگار.
- هاشمی‌شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۴)، حقوق شهروندی (مجموعه بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله العظمی هاشمی‌شاهرودی دام‌ظله)، قم: بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم‌السلام.

عربی

- العاملی، الحر (۱۴۱۴ق)، وسایل الشیعه (آل‌البيت)، الجزء ۲۷، بیروت: مؤسسة آل‌بیت علیه‌السلام لإحياء التراث.

لاتین

- A report by JUSTICE (2015), **In the Dock: Reassessing the use of the dock in criminal trials**, London.
- Council of Europe (2006), **European Prison Rules**, Council of Europe Publishing.
- Mukai, Christine (1971), **Prisoner's Clothing during Trial**, Cleveland State Law Review, Vol. 20.
- Neds, Robert G. (1972, Fall), **Criminal Defendants: Maintaining the Appearance of Innocence**, Missouri Law Review, Vol. 37, Issue 4, Article 5.